

مفهوم اقتصاد دفاع و برخی ویژگی‌های متمایز آن

حسین درّی نوگورانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۰

چکیده

اقتصاد دفاع - که با اقتصاد دفاعی متمایز است - متضمن کاربرد ابزارهای تحلیلی (تکنیک‌ها)، قاعده‌ها، نظریه‌ها، داده‌ها و روش تحلیل و استدلال اقتصادی برای تحلیل عالمانه مسائل دفاعی و مرتبط با دفاع / امنیت ملی (به معنای جامع آن شامل هر دو جنبه سلبی و ایجابی) و حل و فصل منازعه می‌باشد. بنابراین، اقتصاد دفاع بررسی و تحلیل اقتصادی دفاع و مسائل مرتبط با آن را در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در کلیه مقاطع جنگی و غیر آن، در سطوح خرد و کلان و با ابزارهای سخت و نرم بر عهده دارد. اصطلاح «اقتصاد دفاع»، عام‌تر از اقتصاد بخش دفاع است و در تحقیق حاضر، نسبت آن با اصطلاحاتی از قبیل اقتصاد امنیت ملی، اقتصاد صلح و اقتصاد مقاومتی تبیین شده است. متخصص اقتصاد دفاع تلاش می‌کند نحوه دستیابی بهینه (اقتصادی) به اهداف، انجام وظایف و اجرای مأموریت‌های دفاعی - امنیتی تعیین شده توسط مراجع ذیصلاح را تحلیل و پیشنهاد کند و به عبارتی، نحوه اداره بهینه امور دفاعی و امنیت ملی را با تحلیلی اقتصادی فرا راه تصمیم‌گیرندگان بگذارد. در این میان، اگرچه ملاحظات اقتصادی نیز ممکن است در تعیین اهداف و وظایف و مأموریت‌های دفاعی و امنیت ملی توسط تصمیم‌گیرندگان و سرانجام فرماندهی معظم کل قوا مورد توجه قرار گیرد، اما در مجموع، تصمیم دفاعی - امنیتی لزوماً تصمیمی اقتصادی نیست.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد دفاع؛ اقتصاد امنیت ملی؛ اقتصاد دفاع و امنیت؛ اقتصاد بخش دفاع؛ اقتصاد صلح؛ اقتصاد نظامی؛ دفاع اقتصادی؛ اقتصاد مقاومتی.

^۱ استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) abasvafa@yahoo.com

مقدمه

دفاع و ایجاد امنیت نیز همانند سایر عرصه‌ها بلکه با توجه به اهمیت حیاتی آن، بیشتر از بسیاری عرصه‌های دیگر، عرصه‌هایی هستند که به شدت با کاربرد بهینه منابع کمیاب روبرو هستند و تحلیل اقتصادی آن‌ها موضوعیت ویژه می‌یابد. امروزه در مراکز مختلف علمی در سطح جهانی، این مهم را درک کرده‌اند و به پروردن و آموزش نظریه‌ها، تکنیک‌ها و ارائه داده‌های علمی آن پرداخته‌اند؛ اما متأسفانه در کشور ما، این قلمرو شناخته‌شده و کاربرد یافته‌ی جهانی، هنوز چندان شناخته نشده و در دستور کار قرار نگرفته و در آموزش و پژوهش و فعالیت‌های علمی و به ویژه در صحنه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری عملی، مورد توجه قرار نگرفته است.

متن حاضر، تلاشی در جهت شناسایی علمی اقتصاد دفاع و برخی ویژگی‌ها و قلمرو آن به گونه‌ای مقایسه‌ای و با ملاحظه برخی ابهامات کاربردی در عرصه آن می‌باشد. به این منظور، ابتدا برای تعریف علمی اقتصاد دفاع، به معرفی اجمالی علم اقتصاد و امنیت و دفاع ملی (در تمایز با امور نظامی و بخش دفاع) پرداخته شده است. آنگاه با تحلیلی مفهومی اقتصاد دفاع معرفی و قلمرو آن بیان و وجوه تمایز و اشتراک آن ارائه شده است. بعلاوه، برخی اصطلاحات مشترک و مقایسه‌پذیر (اقتصاد امنیت ملی، اقتصاد مقاومتی و اقتصاد صلح) مورد بررسی اجمالی قرار گرفته‌اند و سرانجام، ماهیت تصمیم‌گیری در عرصه دفاع بیان شده است.

امید که نوشته پیش‌رو، به عنوان متنی کاربردی، در جهت ایجاد هم‌فکری و برداشت مشترک از این مفهوم اساسی اقتصادی، مفید باشد. برخورد نقادانه علمی در جهت اصلاح و تکمیل این متن، موجب امتنان خواهد بود.

۱- تعریف مرسوم علم اقتصاد

علم اقتصاد دفاع^۱ از یک جنبه، موضوعی بین‌رشته‌ای است^۲ و از جنبه‌ای دیگر، به هر صورت شاخه‌ای از علم اقتصاد و در همان حال، شاخه‌ای است که به حدی گسترش یافته است که در خور توجهی مستقل و متمایز- همانند علم اقتصاد پول، اقتصاد رشد، تجارت بین‌الملل، اقتصاد بهداشت و اقتصاد آموزش- در عرصه این علم می‌باشد [Hartley and Sandler 1990, 1]. بنابراین برای درک ماهیت اقتصاد دفاع باید نخست ماهیت علم اقتصاد را دریابیم. [Sandler and Hartley 1995, 3]

بنا به تعریف مرسوم، علم اقتصاد عبارت است از «بررسی کاربرد منابع کمیاب در دستیابی به اهداف / خواست‌های جایگزین (بدیل)» [Henderson and Quandt

[1] 1980 و به تعبیری، «تخصیص» کارآمد منابع «کمیاب» در میان کاربردها یا اهداف جایگزین و از این‌رو، به انتخاب (تخصیص) و کمیابی ربط می‌یابد. بدون کمیابی، نیازی به گزینش کارآمد وجود ندارد. هنگامی که انتخاب مطرح می‌شود، ملاحظه «هزینه‌های فرصت (از دست‌رفته)»^۳ ضرورت می‌یابد و منابع درزی بر حسب هزینه‌های فرصت ارزیابی می‌شوند. «کارایی»^۴ نیز مستلزم بهینه‌سازی مقید است؛ به این معنی که برای تحقق کارایی، با توجه به محدودیت‌هایی همچون محدودیت‌های فناورانه و مالی که انتخاب‌های عملی یا در دسترس را محدود می‌کنند، هدف (یا اهداف) مورد نظر^۵ بهینه شود و با استفاده از منابعی ثابت، به بیش‌ترین مقدار از هدف مورد نظر برسیم، یا با استفاده از کمترین منابع ممکن، به هدفی معین دست یابیم.

بنا به تعریف مصطلح علم اقتصاد، این علم با علم «کسب‌وکار» و «حسابداری» و «امور مالی» و تحلیل صرف سودآوری مترادف نیست و اگرچه این امور با علم اقتصاد نوعی هم‌پوشی دارند، اما نمی‌توانند جایگزین آن شوند. برداشت عامیانه از علم اقتصاد، به ویژه در بخش دفاع و امنیت ملی که علاوه بر تفاوت برخی معیارهای ارزیابی، همان‌گونه که ذکر خواهد شد، تعیین تکلیف نهایی تصمیم‌گیری و انجام فعالیت‌ها نیز فراتر از اقتصاد صورت می‌گیرد، سوءتفاهم‌هایی را در کاربرد این علم در تحلیل مباحث دفاعی و امنیت ملی ایجاد می‌کند که موجب مغفول ماندن آن در این قلمرو حساس می‌گردد. اگر فرض شود که علم اقتصاد، صرفاً علم پیگیری سودآوری است و سودآوری نیز در امور دفاعی و امنیت ملی معیار غالب و حتی در برخی موارد، معیار تعیین‌کننده نیست، نتیجه منطقی چنین برداشت اشتباهی، عدم کاربرد قطعی این علم در تحلیل امور دفاعی و امنیت ملی خواهد بود؛ درحالی‌که مروری بر آنچه در آینده بیان خواهد شد، به خوبی کاربرد وسیع و گسترده و ضروری و فوری چنین دانشی را در این قلمرو بسیار حیاتی روشن می‌سازد.

۲- مفهوم و برخی ویژگی‌های امنیت ملی

در یک نگرش اولیه، «بقاء» معمولاً بالاترین ارزش قلمداد می‌شود که برای آن، هر هزینه‌ای صرف کردنی است؛ اما در نگرشی عمیق‌تر، تلاش‌های بشری فقط برای بقاء نیست بلکه کیفیت بقاء نیز موضوعیت دارد. به تعبیری، صرف «زنده‌بودن» ملاک نیست بلکه نحوه «زندگی کردن» اهمیت خاص دارد. یکی از مهم‌ترین

مفاهیم مرتبط با بقاء و کیفیت آن، «امنیت» است که پیش شرط و بستر لازم برای هر فعالیتی می‌باشد. به تعبیر مقام معظم رهبری:

«امنیت، یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای یک ملت و یک کشور است. مهم‌ترین مشکل برای یک کشور آن وقتی به وجود می‌آید که در محیط کار، در محیط زندگی، در محیط تحصیل، در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند؛ اینجاست که مغزهای فعال، دست‌های توانا، سرانگشتان ماهر، هیچ‌یک نخواهند توانست مسؤلیت مهمی را که هر کدام بر دوش دارند، به انجام برسانند. در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه‌ی فعالیت‌های یک کشور می‌تواند به‌درستی برنامه‌ریزی بشود و با دقت دنبال شود و به نتایج خود برسد.» (۱۳۷۹/۷/۱۸)

در یک جمع‌بندی لغوی^۶، «امنیت»^۷ به معنای اطمینان و آسایش و ایمنی داشتن و بی‌هراس و بی‌بیم و بی‌خوف و در امان بودن (زنهار) است؛ به عبارت دیگر^۸، امنیت عبارت است از واقعیت (در واقع) یا احساس (به صورت تصویری) اطمینان^۹ و آزادی^{۱۰} از خطر (ایمنی) و ترس و اضطراب و تردید (شبهه)^{۱۱} (قطعیت^{۱۲}) و نگرانی زیان و آزادی از تحت مراقبت یا بازداشت بودن^{۱۳} و همچنین جاگیر کردن^{۱۴}. در هر صورت، امنیت اعم از کیفیت (طبیعت) یا وضعیت (حالت) امن بودن است.

با این درک که امنیت مفهومی اساساً مجادله‌آمیز است، بنا به تعریف، بحث در باره آن نمی‌تواند سرانجام به طور مجرد (انتزاعی) تعیین تکلیف شود بلکه برخی موقعیت‌ها، غالب و با کاربرد قدرت تحمیل خواهند شد. بر این اساس، امنیت غالباً با فرونشاندن تهدیدات در برابر ارزش‌های پاس داشته شده^{۱۵} به ویژه ارزش‌هایی که اگر حفظ نگردند بقای هدف مورد توجه خاصی را در آینده نزدیک تهدید می‌کنند، مرتبط است. اگرچه امنیت و بقا غالباً با یکدیگر پیوند دارند، اما مترادف نیستند. بقا شرایطی مرتبط با هستی (وجود) است درحالی‌که امنیت متضمن توان دنبال کردن آمال سیاسی و اجتماعی پاس داشته شده می‌باشد. از این رو، امنیت را می‌توان «افزون بر بقا (بقای بعلاوه)»^{۱۶} نامید که واژه «افزون» در آن، به معنای آزادی از تهدیدات تعیین‌کننده در قبال زندگی و بنابراین، تهدیدات مرتبط با برخی انتخاب‌های زندگی می‌باشد.

به طور کلی دو دیدگاه بنیادین در باره امنیت وجود دارد. در دیدگاه اول، امنیت در واقع مترادف انباشت قدرت است. از این دیدگاه، امنیت به عنوان یک کالا در

نظر گرفته می‌شود که در نتیجه، برای امن بودن، باید چیزهای معینی نظیر اموال، پول، تجهیزات و ارتش داشته باشیم. به طور خاص، قدرت به عنوان مسیر دستیابی به امنیت قلمداد می‌شود که هر چه بازیگران بتوانند قدرت - به ویژه قدرت نظامی - بیشتری انباشت کنند، امن‌تر خواهند بود.

دیدگاه دوم، این نگرش را که امنیت ناشی از قدرت است، به چالش می‌کشد. امنیت در این دیدگاه، بر آزادی^{۱۷} بنا شده و با عدالت و فراهم بودن حقوق انسانی مرتبط است. از این دیدگاه، امنیت به عنوان رابطه بین بازیگران مختلف قلمداد می‌شود نه یک کالا. این رابطه می‌تواند امری منفی - نظیر این که امنیت در باره فقدان تهدیدات باشد - یا مثبت - نظیر این که امنیت متضمن پدیده‌هایی توانمندساز و پدیده‌هایی که امور را امکان‌پذیر می‌سازند، باشد - را در بر گیرد. این تمایز معمولاً در تفاوت بین عبارت «آزادی از»^{۱۸} یا «آزادی برای» (در جهت)^{۱۹} تجلی می‌یابد. در صورتی که امنیت را در یک مفهوم رابطه‌ای^{۲۰} دریابیم، امنیت متضمن کسب درجه‌ای اطمینان در باره روابطی قلمداد می‌شود که از طریق به اشتراک گذاشتن کالاهای معینی حاصل می‌شود که به نوبه خود، درجه‌ای اطمینان مجدد^{۲۱} و پیش‌بینی‌پذیری^{۲۲} فراهم می‌کند. بر این اساس، امنیت حاصل موجودی‌ها نیست بلکه به روابط و تعامل باز می‌گردد. به همین دلیل، این امکان وجود دارد که داشتن تسلیحات هسته‌ای از سوی کشوری خاص، ناامنی آفرین‌تر از زرادخانه هسته‌ای دیگری به حساب آید^{۲۳}. (Williams 2008, 5)

در چارچوب آنچه گفته شد، در مطالعات امنیتی دو گفتمان غالب وجود دارد: گفتمان امنیت سلبی و گفتمان امنیت ایجابی. هر کدام از دو گفتمان در درون خود موج‌های مطالعاتی‌ای دارند. گفتمان امنیت سلبی، امنیت را به نبود تهدید یا امکان مدیریت و رفع تهدید معنا می‌کند و خود متشکل از دو موج پژوهشی سنتی و فرا سنتی است. طرفداران نگرش سنتی، امنیت را فقدان تهدید نظامی می‌دانند. طرفداران نگرش فرا سنتی، امنیت را چندبُعدی و شامل ابعادی از جمله ابعاد اقتصادی، سیاست، فرهنگ، ایدئولوژی و فناوری تلقی می‌کنند که فقدان تهدید از این ابعاد و یا در صورت بروز تهدید، قدرت رفع آن امنیت ایجاد می‌کند.

گفتمان امنیت ایجابی، امنیت را به ایجاد شرایط مطلوب جهت پیگیری خواست و اهداف ملی معنا می‌کند. بنا به این گفتمان، اگر کشوری تهدید نداشته باشد ولی در همان حال، توان پیگیری خواست‌ها و منافع ملی‌اش را نیز نداشته باشد، ناامن ارزیابی می‌گردد. گفتمان امنیت ایجابی در درون خود دو موج مطالعاتی دارد. مطالعات مدرن و مطالعات پست‌مدرن امنیت. نئوپوزیتیویست‌ها در مطالعات مدرن

امنیت، طبیعت را به مثابه یک الگو جهت امنیت‌سازی قلمداد کردند و پس از آنان، در دورانی که بحث جهانی‌شدن مطرح گردید، رویکردهای فرهنگی مربوط به هنجار و هویت در امنیت مطرح شد و چارچوب دولت-ملت مورد تردید قرار گرفت. امنیت ملی نیز جای خود را به امنیت جهانی داد. (مک‌کین و لیتل ۱۳۸۰) در تعبیری دیگر از امنیت ایجابی، امنیت وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌ها در یک واحد سیاسی یا اجتماعی معین، با توجه به ضریب ایدئولوژیک آن، تناسب وجود دارد به‌گونه‌ای که در اعضا، تولید رضایت‌مندی می‌نماید؛ به عبارت دیگر، امنیت در این گفتمان با مفهوم محوری رضایت، فهم و تحلیل می‌شود. (افتخاری ۱۳۹۳)

در فضای فکری سازمان ملل متحد، به اصطلاح سیاستی، «امنیت انسانی»^{۲۴} عبارت است از امنیت یکپارچه، پایدار و جامع از ترس، منازعه، جهل، فقر، محرومیت اجتماعی و فرهنگی و گرسنگی مبتنی بر آزادی‌های مثبت و منفی. (Ginkel and Newman 2000)

مفهوم امنیت انسانی در متن برنامه کاری «مسئولیت حفاظت»^{۲۵} سازمان ملل شناخته می‌شود که به جای فقط دخالت منفعلانه نظامی، بر خطوط فعالیت پیشگیرانه و توسعه‌ای - شامل اقدام پیش‌دستانه^{۲۶} - تمرکز دارد. فراهم آوردن امنیت انسانی نیازمند آگاهی از نیازهای ویژه افراد و دولت‌هاست. این امر نیازمند ملاحظه کامل بخش‌های تشکیل‌دهنده یک جامعه نظیر تأمین قانونی، آموزش، بازرگانی و اقتصادی، بشردوستانه و بهداشت، اطلاعات، نظامی و دیپلماسی، اداره و حکمرانی است که همه به وسیله تاریخ و فرهنگ شکل می‌گیرند. (DCDC 2008, 1-1)

به نظر می‌رسد اگرچه برخی نویسندگان با صراحت مترادف بودن امنیت انسانی و توسعه انسانی را نمی‌پذیرند^{۲۷} اما مفهوم توسعه انسانی و امنیت انسانی به سوی فضایی مشترک با هم‌پوشی فراوان سیر می‌کند. (Secretary General's High-level Panel of United Nations 2004)

۳- مفهوم، برخی ویژگی‌ها و انواع دفاع

در یک جمع‌بندی لغوی، دفاع عبارت است از یابوری و حمایت کردن، دور کردن، حفظ کردن، راندن، پس زدن و بازداشتن.^{۲۸} "Defence/ Defense" نیز از جمله به معنای مقاومت کردن^{۲۹}، تجهیز و تقویت و استحکام بخشیدن^{۳۰} به کار می‌رود. «امور دفاع ملی» در طبقه‌بندی هزینه‌ای بودجه دولت جمهوری اسلامی ایران بر حسب امور، مجموعه‌ای از وظایف دولت است که در جهت حفظ و حراست از مرزهای کشور و برقراری ثبات سیاسی از طریق دفاع نظامی و غیرنظامی^{۳۱} به

منظور حفظ و گسترش امکانات توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور انجام می‌شود (فرزب ۲۱۰، ۱۳۷۶). برنامه‌های فصل نظامی عبارت‌اند از برنامه‌های کارکنان نظامی، عملیات و نگهداری، تهیه و تولید و نوسازی، کارکنان وظیفه، بیمه و بازنشستگی، اموال غیرمنقول و ساختمان، خدمات درمانی کارکنان نظامی، فعالیت‌های عقیدتی - سیاسی، حمایت از بسیجیان، تحقیق و بررسی و خدمات اداری. بنا به یک تعریف، «برنامه‌ریزی دفاعی» طراحی سلسله اقدامات و تعیین مسئولیت‌ها - و مأموریت‌ها - و نحوه تأمین منابع مورد نیاز برای دستیابی به اهداف اولویت‌بندی شده نیروهای نظامی، با ملاحظه مقایسه‌ای تهدیدات موجود - و محتمل - و مقدرات برآورد شده می‌باشد. به تعبیر دیگر، برنامه‌ریزی دفاعی فرایندی است که مقاصد^{۳۲} را توسعه می‌دهد تا منافع امنیت ملی را به‌رغم تهدیدات کنونی و پیش‌بینی‌شده تأمین کند؛ شقوق مفهومی^{۳۳} را ارزیابی می‌کند؛ آنگاه یک استراتژی و نیروهایی را ضمن لحاظ کردن شرایط / روندهای سیاسی، اجتماعی، فناورانه و سایر شرایط / روندها برمی‌گزیند تا آن غایات حاصل شوند (Collins 1982, 305) برنامه‌ریزی دفاعی با برنامه‌ریزی امنیت ملی (جامع) و برنامه‌ریزی سیاست خارجی پیوندی ناگسستنی دارد و در دو سطح استراتژیک و عملیاتی (رزمی) (Davis 1994) - و به عبارتی، در دو سطح کلان و خرد - صورت می‌گیرد. دفاع به دو نوع دفاع عامل و غیرعامل تقسیم می‌شود. بنا به تعریف، دفاع (پدافند^{۳۴}) غیرعامل، مجموعه اقداماتی است که قبل از خطر انجام می‌گیرد و در هنگام بروز هرگونه تهدید طبیعی و غیرطبیعی - مانند جنگ - موجب کاهش آسیب‌پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها، تأسیسات، تجهیزات، اسناد و شریان‌های حیاتی یک کشور می‌گردد. دفاع عامل با استفاده از ابزار نظامی و به صورت مسلحانه و با تحمیل مخاطره یا خسارت جدی به حمله‌کننده انجام می‌شود درحالی‌که دفاع غیرعامل، دفاعی بدون سلاح و تجهیزات نظامی و اساساً متضمن مستحکم‌سازی است. اصول اساسی دفاع غیرعامل عبارت است از:

- مکان‌یابی
- استتار
- اختفا
- پوشش
- فریب
- پراکندگی
- جداسازی و جابه‌جایی

- مقاوم سازی و استحکامات

- هشدار زود هنگام. (موحدی‌نیا، ۲۴۳)

آموزش نظامی مردم در قالب نظام وظیفه عمومی، ایجاد نیروی ذخیره در دوران آرامش و صلح و تشکیل سازمان‌های شبه‌نظامی در برخی کشورها، دلالت بر این نکته اساسی دارد که دفاع، برنامه‌ای پردامنه و همیشگی است و فقط به دوران حمله و دفع آن محدود نمی‌شود. با این ملاحظه، دفاع در بعد سلبی امنیت، حداقل سه مرحله اساسی دارد^{۳۵}:

- پیشگیری^{۳۶} و بازدارندگی
- مدیریت واقعه^{۳۷} (مقابله با (دفع و رفع) تهدید و تعرض)
- مدیریت پیامد^{۳۸}.

دفاع در بعد ایجابی امنیت، متضمن «توانمندسازی جهت تحقق اهداف امنیت ملی» نیز می‌باشد^{۳۹}. از این رو، در یک برنامه دفاعی منطقی و کامل، باید هر چهار مرحله دفاع مورد توجه قرار گیرد و برای هر مرحله، طراحی خاص صورت پذیرد. البته هر مرحله چهارم عملاً همگام با مراحل سه‌گانه‌ی دفاع سلبی تحقق می‌یابد.

علاوه بر آنچه گفته شد، «امنیت جامع»، به «دفاع جامع و همه‌جانبه» نیاز دارد. دفاع نظامی، دفاع سیاسی، دفاع فرهنگی، دفاع اجتماعی و همچنین دفاع اقتصادی، در این دفاع جامع جایگاه ویژه خود را دارند. در دفاع اقتصادی باید برای هر یک از عناصر و متغیرهای تابع امنیت، در همه مراحل، برنامه‌های دفاعی با ابزارهای اقتصادی طراحی شود. در این دفاع، اقتصاد به عنوان یکی از ارکان امنیت ملی جامع (سلبی و ایجابی) در نظر گرفته می‌شود که مورد هدف قرار می‌گیرد و خود، عامل و ابزار تهدید می‌شود و با رویکردی راهبردی به آن نگریسته می‌شود^{۴۰}.

۱-۳- فراتر بودن «دفاع ملی» از محدوده سازمانی «بخش دفاع»

در اینجا باید بر فراتر بودن «دفاع ملی» از (نسبت به) «بخش دفاع» و به عبارتی، بر فرابخشی بودن دفاع ملی تأکید شود. در نگرشی تخصصی، بخش دفاع کلیه نیروهای مسلح^{۴۱} شامل نیروهای نظامی و انتظامی، ستادهای مرتبط^{۴۲} (ستاد کل نیروهای مسلح و ...) و وزارت^{۴۳} و صنایع دفاعی و همچنین بسیج^{۴۴} و وزارت اطلاعات^{۴۵} و سازمان‌های وابسته به آن‌ها را در بر می‌گیرد. در همان حال، بنا بر اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را از جمله برای «تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور» به کار برد. اگرچه این

آموزش نظامی عمومی، در جهت تأمین دفاع (حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی) تحقق می‌یابد اما نیروهای بخش دفاع را تأمین نمی‌کند تا در زمره بخش دفاع قرار داده شود. علاوه بر این، بنا به اصل یک‌صد و پنجاه و یکم، به حکم آیه کریمه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ»، «دولت موظف است برای همه افراد کشور، برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند». در این اصل اولاً با تصریح به «دفاع مسلحانه»، دفاع عام‌تر از نوع مسلحانه‌اش تداعی می‌شود و ثانیاً قلمرو دفاع، عام‌تر از بخش دفاع (قلمروی فراگیر) در نظر گرفته می‌شود. بعلاوه، بنا بر اصل یک‌صد و هفتاد و ششم قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی» تشکیل گردیده است. این شورا دارای سه وظیفه مصرح شامل «تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور»، «هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی» و «بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی» است. اگرچه در متن این اصل پیش‌بینی تشکیل «شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور» (به عنوان دو شورای مستقل) به تناسب وظایف شورای عالی امنیت ملی شده است، اما حوزه دفاع و امنیت در آن بسیار نزدیک به یکدیگر به نظر می‌آیند و با وجود آن که این شورا در قلمرو بخش دفاع تقسیم‌بندی نمی‌شود، در بالاترین رده، پس از فرماندهی معظم کل قوا وظیفه‌ای دفاعی را بر عهده دارد.

امام راحل در وصیت‌نامه خود تصریح فرموده‌اند که «در هنگامه نبرد، مجال پرداختن به همه جهات قوت‌ها و ضعف‌ها و طرح‌ها و برنامه‌ها و در حقیقت ترسیم استراتژی دفاع همه‌جانبه، نبوده است. ولی در شرایط عادی باید با سعه‌صدر و به دور از حب و بغض‌ها به این مسائل پرداخت؛ ... و در تجهیز کلیه آحاد و افراد این کشور، بر اساس اصول و فرمول خاص دفاع همه‌جانبه و تا رسیدن به تشکل واقعی و حقیقی بسیج و ارتش بیست‌میلیونی، کوشش نمود». ایشان از جمله در پیام قبول قطعنامه ۵۹۸ (موسوی خمینی، ج ۲۱، ۷۴)، بسیج را در زمره «تمامی نظامیان» ذکر کرده‌اند که «هرگز نباید از کُید و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد». مقام معظم رهبری نیز در ۱۳۸۰/۸/۲۱ تأکید کرده‌اند که «بعضی تصور کردند که با پایان جنگ، بسیج

هم پایان خواهد گرفت. بعضی هم صلاح‌اندیشی کردند که با پایان دوران جنگ، دیگر احتیاجی به بسیج نیست! فکریایی که از نور بصیرتِ معنوی برخوردار نیست، بهتر از این محصولی نمی‌دهد. بسیج، آن روز از مرزهای نظامی جغرافیایی کشور دفاع کرد و در میدان رزم توانست خود را نشان دهد؛ اما مگر مرزهای دفاعی انقلاب فقط به مرزهای جغرافیایی منحصر می‌شود؟ از بزرگ‌ترین مسؤولیت‌های یک مجموعه‌ی بسیج در کشور این است که از هویت ملی و دینی پاسداری می‌کند و باید پاسداری کند. بسیج، یعنی حضور در میدان‌هایی که نظام اسلامی، وظیفه‌ی انسانی و الهی و نیازهای کشور، حضور او را در آن میدان‌ها لازم می‌داند و او را به آن‌ها فرامی‌خواند. بسیجی، هر یک از آحاد ملت است که در هر جایی که به حضور او نیاز هست، آماده باشد. دامنه‌ی بسیج، بسیار وسیع است. بسیج را نباید در نیروی مقاومتِ بسیج خلاصه کرد. نیروی مقاومت بسیج با فعالیت و ابتکار و حضور خود، مانند لکوموتیوی است که قطار عظیم بسیج ملت ایران را به پیش می‌راند؛ بنابراین دامنه‌ی بسیج، بسیار وسیع‌تر از نیروی مقاومت بسیج است. کشور به نیروی مقاومت بسیج نیاز دارد؛ اما به بسیج عظیم مردمی در همه‌ی میدان‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و - آن وقتی که لازم باشد - نظامی نیز نیازمند است. وظیفه‌ی نیروی مقاومت بسیج، الگو شدن برای همه‌ی جوانان بسیجی در کشور است.»

با ملاحظه‌ی جملات پیشین، روشن می‌شود که بسیج، از عرصه محدود نظامی تا عرصه‌های فراتر و به عبارتی کل عرصه دفاع همه‌جانبه از انقلاب و نظام اسلامی را در بر می‌گیرد. از این رو، اجزایی از بسیج نیز که لزوماً در تعریف اصطلاحی بخش دفاع قرار نمی‌گیرند، یکی از عناصر دفاع ملی قلمداد می‌شوند.

بر اساس آنچه گفته شد، وجود شورای عالی امنیت ملی و مراکز دفاعی سازمان‌های برنامه‌ریزی کشور و کمیسیون دفاع مجلس شورای اسلامی از جمله مراکزی هستند که اگرچه عملاً دفاعی هستند اما در چارچوب سازمانی بخش دفاع قرار نمی‌گیرند. بعلاوه، بسیج چند ده میلیونی، به بخش دفاع محدود نمی‌شود و فلسفه وجودی نظام وظیفه عمومی ایجاب می‌کند که دفاع ملی حتی در جنبه نظامی‌اش، وظیفه‌ای همگانی - فراتر از بخش دفاع - تلقی گردد. به یک تعبیر، دفاع و حفظ امنیت ملی، وظیفه‌ای فراگیر است^{۴۶} و فقط به بخش دفاع خلاصه نمی‌شود.

۲-۳- فراتر بودن وظایف بخش دفاع از فعالیت‌های صرف نظامی

بنیه اقتصادی از یک سو از آن جهت برای بخش دفاع موضوعیت دارد که بسترساز و تسهیل‌کننده تأمین امکانات مورد نیاز برای انجام مأموریت دفاع ملی است و از سوی دیگر، از آن جهت اهمیت می‌یابد که خود مسئله‌ای امنیتی با اولویت بالا محسوب می‌شود و خدشه اقتصادی، می‌تواند به خدشه جدی امنیت ملی تبدیل شود. در این میان، بنا بر اصل یک‌صد و پنجاهم قانون اساسی، نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن» است که عام‌تر از نقشی صرفاً نظامی است^{۴۷}. بنا بر اصل یک‌صد و چهل و سوم نیز «ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد.»

فعالیت اقتصادی نیروهای مسلح کشورها، می‌تواند حداقل دو جنبه اساسی بیابد. جنبه نخست، به عنوان یک اقدام جانبی و حداکثر به منزله فعالیتی مکمل مأموریت ذاتی بخش دفاع مطرح می‌شود. در این جنبه، از آنجایی که مأموریت ذاتی، امری اقتصادی نیست، معمولاً ترجیح داده می‌شود که با امکانات مازاد بخش دفاع انجام شود و ظرفیت خالی این بخش را پر کند؛ اما جنبه دوم، به عنوان یکی از ابعاد دفاع ملی - یعنی دفاع اقتصادی - و لذا جزء مأموریت بخش دفاع به شمار می‌آید^{۴۸}. به عبارتی، وظیفه نیروهای مسلح در وهله اول، ایجاد امنیت و بازدارندگی و دفاع می‌باشد؛ اما این وظیفه اولیه، با وظیفه بعدی و به عبارتی وظیفه‌ای مکمل با عنوان «سازندگی» در صورتی که با وظیفه اصلی تزامم نداشته باشد، منافات ندارد و حتی در مواردی در جهت انجام مأموریت اصلی، ضرورت می‌یابد. بر اساس اصل ۱۴۷ قانون اساسی، «دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی آسیبی وارد نیاید». بر اساس ماده ۱۰ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب شهریور ۱۳۶۱^{۴۹}، مشارکت در عملیات امدادی به هنگام بروز بلایا و حوادث و انجام خدمات امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی به درخواست دولت و با رعایت کامل موازین عدل اسلامی در زمان صلح در حدی که به تشخیص شورای عالی سپاه، آمادگی رزمی لازم را برای انجام مأموریت‌های خود از دست ندهد»، در زمره مأموریت‌های سپاه در نظر گرفته شده است. همچنین بنا بر ماده ۶ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب مهرماه ۱۳۶۶، اصول و ویژگی‌های اساسی نیروهای مسلح از جمله عبارت است از «مردمی بودن». در توضیح این ویژگی نیز ذکر شده است که «نیروهای مسلح

همواره در کنار مردم و در جهت مصالح و آرمان‌های امت اسلامی انجام وظیفه می‌نمایند و در زمان صلح نیز به درخواست دولت افراد و تجهیزات فنی خود را در حدی که به آمادگی رزمی آن‌ها آسیبی وارد نیاید، در جهت خدمت به مردم در زمینه کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی به کار می‌گیرند».

رهنمودهای امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری در قلمرو یادشده شایان توجه است. بنا به فرموده امام راحل، «شما در حال جنگید، در حال جنگ اقتصادی و این خود یک محاربه‌ای بین اسلام و کفر است». (موسوی خمینی (امام)، ج ۱۱، ۱۱۷) همچنین مقام معظم رهبری تأکید کرده‌اند: برادران عزیز! عناصر رزمنده‌ی نیروهای مسلح! بر حسب تجربه‌های تاریخی، آنچه بیش از همه برای ملت‌ها مایه‌ی افتخار است، عبارت است از قدرت دفاع و قدرت سازندگی؛ و معیار تقدیر و ارزش‌گذاری بر روی ملت‌ها، آنچه در بالای صفحه قرار می‌گیرد، این دو توانایی است. ... شما نیروهای مسلح و همه‌ی ملت ایران، در یک مرحله امتحان خوبی دادید؛ در مرحله‌ی دوم - یعنی مرحله‌ی بازسازی - هم باید همان نمایش قدرت در همه‌ی سطوح کشور و در هر جایی که انسان سربلند و شایسته‌ای از مردم ایران در آن حضور دارد، وجود داشته باشد. ... در بخش دوم هم نیروهای مسلح باید در سازندگی شرکت کنند. ... نیروهای مسلح، ارتش و سپاه می‌توانند سهم خود را در بازسازی عمومی کشور هم ایفا کنند؛ همچنان که امروز هر دو سازمان - و بخصوص سپاه - طرح‌های بزرگی را از سازندگی عمومی کشور بر عهده گرفته و شریک شده‌اند. ملت عزیز ما باید حس کند که نیروهای مسلح نه فقط در دوران جنگ، بلکه در دوران بازسازی هم می‌توانند پیشگام و پیش‌قدم باشند. البته مسئله‌ی اول در نیروهای مسلح، حفظ آمادگی‌های رزمی و متراکم کردن هرچه بیشتر آموزش، انضباط، توانایی‌های گوناگون و نوسازی در درون سازمان نیروهای مسلح و در درجه‌ی بعد در سطح کشور است». (بیانات ۱۳۷۰/۱۰/۱۲) رهبر معظم انقلاب اسلامی در بازدید از روند فعالیت‌های اجرایی و ساخت سد کرخه در اسفند ۱۳۷۵، تبدیل نیروهای مسلح به نیروهای تولیدکننده‌ی ثروت و درآمد را موجب افتخار و سرفرازی ایران اسلامی دانسته‌اند.

با توجه به مطالب پیش گفته، در یک تعریف اجمالی، دفاع ملی، به هر فعالیت یا تلاشی گفته می‌شود که برای پیشگیری و حفاظت از یک کشور / سرزمین در برابر حمله یا سایر تهدیدات/خطرات و مدیریت بحران ناشی از تهدید یا تعرض - و به عبارتی، ایجاد و ارتقاء امنیت ملی - صورت می‌گیرد و فقط دفاع نظامی را در بر

نمی‌گیرد بلکه اقدامات یا سیاست‌های هجومی (غیرتدافعی) و یا اقدامات یا سیاست‌های غیرنظامی را نیز ممکن است شامل شود.

۳-۳- تقسیم‌بندی دفاع به دفاع سخت و نرم

از یک دیدگاه، قدرت به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌شود. بنا به یک تعریف، قدرت سخت^{۵۰} متضمن اجبار^{۵۱} در اعمال قدرت (به زور وادار کردن) است و بر دخالت نظامی، دیپلماسی اجبار و تحریم‌های اقتصادی برای وادار (ناگزیر) کردن تمرکز دارد. در این تعریف، قدرت سخت مترادف با قدرت اجباری است. قدرت نرم^{۵۲} - که جوزف نای^{۵۳} در سال ۱۹۹۰ آن را با این عنوان مطرح کرد - عبارت است از توان دستیابی به خواسته‌ها از طریق اقناع^{۵۴} و جذب، به جای اجبار؛ بنابراین، قدرت نرم ماهیتی رابطه‌ای^{۵۵} دارد.

در یک معرفی مقایسه‌ای، قدرت سخت عبارت است از تهدید یا استفاده از اجبار نظامی یا اقتصادی برای تأثیرگذاری بر رفتار یا منافع دولت‌ها، گروه‌ها یا افراد، در جهت وادار کردن آن‌ها به اتخاذ یک سلسله اقدام خاص که در غیر این صورت، به خودی خود آن‌ها را عملی نمی‌کردند. از سوی دیگر، قدرت نرم عبارت است از توانایی یک بدنه سیاسی، اعم از دولت یا ترکیبی از دولت‌ها، برای جذب و در نتیجه، دنبال کردن سایر بدنه‌های سیاسی از طریق ابزارهای فرهنگی و ایدئولوژیک یا رقابت‌ها و پیشی گرفتن‌های ترغیب‌کننده. راه‌های اثربخشی قدرت نرم عبارت‌اند از: فرهنگ (وقتی برای دیگران جذاب باشد)؛ ارزش‌ها (که در کاربردشان صداقت به نظر می‌رسد و راست‌نما هستند)؛ و سیاست‌های خارجی (وقتی از سوی دیگران مشروع و قانونی به نظر می‌رسند) که ممکن است همگی با انگیزه‌های مالی و مادی تقویت گردند. فرهنگ مردم و رسانه‌ها معمولاً منبع قدرت نرم تلقی می‌گردند. تجربه تاریخی نشان داده است که اداره کردن قدرت نرم معمولاً کندتر، پراکنده‌تر و طاقت‌فرساتر اما ارزان‌تر و بادوام‌تر از قدرت سخت است. (DCDC) در نمودار (۱) برخی شاخص‌های سنجش و رتبه‌بندی قدرت نرم در سه دسته تصویر جهانی^{۵۶}، یکپارچگی جهانی^{۵۷} و تلفیق جهانی به صورت نمودار (۱) ارائه شده‌اند: (Ernst & Young's Emerging Markets Center)



نمودار ۱: شاخص‌های قدرت نرم

با رویکردی دیگر، نوآوری فناورانه که می‌تواند زنجیره ارزش را به دنبال خود حرکت دهد، الگوهای یک کشور در کمک کردن، رواج یادگیری زبان، گسترش هنر، فیلم‌ها و سایر شمایل‌های فرهنگ، مردمی بودن دولت‌ها، گردشگری، مهاجرت، شبکه‌های اتحاد و الگوهای تلفن و ارتباطات اینترنتی، علاقه به خرید کالا و همچنین اعتماد به اخبار و اطلاعات یک کشور می‌توانند شاخص‌هایی برای ارزیابی قدرت نرم باشند. (Wilson)

از دیدگاه نای، تدابیر اقتصادی - از جمله تحریم‌ها که آشکارا درصدد اجبار هستند- در زمره قدرت نرم نیستند. البته منابع اقتصادی می‌توانند هر دو نوع رفتار قدرت سخت و نرم را ایجاد کنند. جذابیت مؤسسات و سیاست‌های اقتصادی برای نظام‌های اقتصادی نوعی قدرت نرم به حساب می‌آیند. یک اقتصاد موفق منبع مهمی از جذابیت است. با این توضیح، باید بین منابع قدرت و رفتار قدرت تفاوت قائل شویم. آنچه قدرت را سخت یا نرم می‌کند، رفتار قدرت و نحوه‌ی تبدیل منابع به پیامدها^{۵۸} است نه منابع آن. با این ملاحظه، نیروهای نظامی نیز می‌توانند گاهی - از جمله با نمایش اقتدار جذاب و ایجاد همکاری و برنامه‌های تربیتی - به قدرت نرم کمک کنند. (Nye)

اگرچه تمایز عملی و دقیق بین انواع قدرت ساده نیست، اما تشخیص بین آن‌ها به ویژه در برخورد با آن‌ها تعیین‌کننده خواهد بود زیرا ملاحظه‌ی تناسب بین اهداف و ابزارهای دستیابی به آن‌ها و همچنین تناظر نسبی بین ابزارهای مقابله با ابزارهای انواع قدرت‌ها، در برخی موارد مورد تأکید است.

با معرفی قدرت سخت و نرم، تهدید سخت و نرم و همچنین جنگ سخت و نرم و دفاع سخت و نرم مفهوم می‌یابند. تهدید و جنگ و دفاع سخت، از ابزارهای سخت قدرت بهره می‌برند درحالی‌که تهدید و جنگ و دفاع نرم، ابزارهای قدرت نرم را به کار می‌گیرند. به روشنی، ابزارهای دفاعی باید با ابزارهای تهدید و جنگ تناسب داشته باشند.^{۵۹} در مقابل یک تهدید نرم، نمی‌توان بر دفاع سخت نظامی تکیه کرد و از سوی دیگر، نمی‌توان یک تهدید سخت نظامی را صرفاً با دفاعی نرم پاسخ داد.

۴- تحلیل مفهومی اقتصاد دفاع

بر اساس آنچه در باره «علم اقتصاد» و همچنین «امنیت» و «دفاع» و انواع آن‌ها مرور شد، مفهوم «اقتصاد دفاع» قابل درک خواهد بود.

۴-۱- تعریف اقتصاد دفاع

«تحلیل اقتصادی دفاع (ملی)» عبارت مشترک اغلب جملاتی است که به عنوان تعریف اقتصاد دفاع بیان شده‌اند. کندی اقتصاد دفاع را «کاربرد علم اقتصاد برای تحلیل مسائل دفاع» می‌داند. (Kennedy, 17) کانتر آن را «کاربرد مهارت‌های اقتصادی برای بسیاری از مسائل دفاع» برمی‌شمرد. (Kanter, 427) اولوی اعتقاد دارد که بسیاری از متون موجود در بررسی اقتصاد دفاع ملی «چیزی بیش از کاربرد مفاهیم اقتصادی در مسائل امنیت ملی نیستند.» (Olvey and Golden and Kelly, 8-9) ریپای زمینه اقتصاد دفاع را «شاخه‌ای از اقتصاد کاربردی» به شمار می‌آورد. [Reppy, 90] شابیک و ورکرک اظهار می‌دارند که «اقتصاد دفاع، از کاربرد تحلیل اقتصادی در رابطه با موضوعات دفاع ملی» تشکیل شده است. (Shubik and Verkerke, 482) اینتریلیگیتور در پایان مقاله‌اش «در زمینه ماهیت و قلمرو اقتصاد دفاع» نتیجه‌گیری می‌کند که اقتصاد دفاع زمینه‌ای است که در آن، ابزارهای علم اقتصاد در قلمرو بخش دفاع به کار گرفته می‌شوند تا ضرورت‌های داخلی و بین‌المللی این بخش را تحلیل کنند. (Intriligator, 9)

مفاهیم برشمرده شده، در نوشته‌های بعدی نیز تکرار شده است. سندلر و هارتلی در کتاب مرجع اقتصاد دفاع در سال ۲۰۰۷ نیز تصریح کرده‌اند که «اقتصاد دفاع ابزارهای علم اقتصاد را برای مطالعه موضوعات دفاعی و موضوعات مرتبط با دفاع شامل سیاست‌ها و صنایع دفاعی، منازعه، مسابقات تسلیحاتی، خلع سلاح، تبدیل، حفظ صلح، شورش‌ها، جنگ‌های داخلی و تروریسم به کار می‌برد» (Sandler and Hartley, 2007,611).

در کنار آنچه گفته شد، راس در انتقاد صریح از برداشت‌هایی که اقتصاد دفاع را صرفاً یک کاربرد معمولی ابزارهای تحلیلی علم اقتصاد در بررسی موضوعات دفاعی قلمداد می‌کند، به نقادی می‌پردازد و ابراز می‌کند که اقتصاد دفاع تا حدی بیش از شکلی از اقتصاد کاربردی است در حالی که با نگرش محدود، «متخصصین اقتصاد دفاع همگی در حقیقت کار خود را به سطح تکنسین بزرگ جلوه داده‌شده‌ای کاهش داده‌اند» (Ross, 6). در اینجا باید متذکر شویم که همواره محدود کردن یا گستردن بیش از اندازه حیطه یک مفهوم، با انتقاد روبرو بوده است. ریبای در پاسخ به اینتریلیگیتور که در مقاله یادشده‌اش، اقتصاد دفاع را محدود به عناصر (عوامل) نظامی کرده است، از او فراتر می‌رود و اظهار می‌دارد که قلمرو اقتصاد دفاع می‌تواند با گنجاندن عناصر غیرنظامی در تعریف امنیت ملی - از جمله حفاظت از محیط‌زیست^{۶۰} - حتی گسترده‌تر از تعریف وی گردد. از سوی دیگر سندلر و هارتلی تأکید می‌کنند که ما در این نکته که درک اقتصاد دفاع، به ویژگی‌های نهاد واحدی مربوط می‌شود، با ریبای موافقیم اما این نظر او را نمی‌پذیریم که تعریف وسیع‌تر امنیت ملی را در این زمینه منظور کنیم زیرا با این مفهوم^{۶۱}، مفهوم مشخص و متمایز اقتصاد دفاع از دست خواهد رفت. (Sandler and Hartley 1995, 7)

در یک جمع‌بندی کلی، به نظر می‌رسد مفهوم اقتصاد دفاع متضمن کاربرد ابزارهای تحلیلی (تکنیک‌ها)، قاعده‌ها، نظریه‌ها، داده‌ها و روش تحلیل و استدلال اقتصادی برای تحلیل عالمانه مسائل دفاعی و مرتبط با دفاع / امنیت ملی^{۶۲} و حل و فصل منازعه باشد. بنابراین، اقتصاد دفاع بررسی و تحلیل اقتصادی دفاع و امور مرتبط با آن را در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در کلیه مقاطع جنگی و غیر آن، در سطوح خرد و کلان و با ابزارهای سخت و نرم بر عهده دارد. این مفهوم، با توجه به پیچیدگی‌های منحصربه‌فرد و ویژگی‌های موضوعی دفاع و امنیت ملی، از صرف کاربرد معمولی علم اقتصاد در موضوعاتی خاص فراتر است و به ملاحظات و خیرگی ویژه و تکنیک‌هایی متناسب نیز نیاز دارد. به عبارتی، اقتصاددان دفاع صرفاً یک تکنسین در استفاده از علم اقتصاد نیست. به همین دلیل است که تأکید می‌شود که اقتصاددان دفاعی باید روش‌های اقتصادی را برای مجموعه‌ای از موضوعات ذی‌ربط سازگار و برآورنده سازد.^{۶۳}

۲-۴- قلمرو اقتصاد دفاع

بر اساس تعریفی که از اقتصاد دفاع شد، دفاع و امنیت ملی و منازعات و موضوعات مرتبط با آن‌ها، در قلمرو این رشته علمی اقتصادی قرار می‌گیرند. به

مرور ایام و تحولات جهانی، موضوعات قلمروی مزبور بسیار دچار تحول شده‌اند.^{۶۴} برخی از این موضوعات در گذشته وجود نداشته‌اند و با بروز حوادث بزرگ بین المللی و تحولات فناوری و دگرگونی در ذهنیت‌ها به قلمروی یادشده وارد شده‌اند.^{۶۵} از سوی دیگر، در برخی موضوعات گذشته، پیشرفت‌های بسیاری رخ داده است که مطالب ارائه‌شده در باره آن‌ها در گذشته، مستلزم بازنگری می‌باشند.^{۶۶} از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، این موضوعات کشور به کشور نیز می‌توانند متفاوت باشند اما پدیده جهانی‌شدن نیز به گونه‌ای بر موضوعات دفاعی، استراتژیک و امنیتی پرتو افکنده است که باید تأثیرات آن بر همه موضوعات گذشته و جدید و تهدیدات ایجادشده، به گونه‌ای جدی مورد توجه قرار گیرد.^{۶۷}

به گفته هیچ و مک‌کین، در هر زمان باید پیش از هر چیز، تهدیدات احتمالی در سناریوهای تهدیدات آینده و این امر را که «آمادگی و دفاع در برابر چه چیزی» باید صورت گیرد، شناسایی و به دقت مشخص نماییم. عصر «یک بمب به‌سوی یک شهر بزرگ» با دوران گذشته و نظام چند قطبی به همراه شکل‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای، با نظام دوقطبی پیشین می‌تواند به کلی متفاوت باشد.

علاوه بر آنچه گفته شد، برخی از اهل فن، عناوینی را نیز در جرگه مدیریت کارآمد منابع دفاعی تقسیم‌بندی می‌کنند و اعتقاد دارند که اگر تحلیل اقتصادی در فرایند مدیریت دفاعی کاربرد پیدا کند، منابع محدود در دسترس برای دفاع می‌تواند سنجیده‌تر به کار گرفته شود (Hitch and McKean 1967, IX). چنین کاربردی در مراحل اولیه نضج‌گیری اقتصاد دفاع، با تأکید بر مدیریت دفاعی مورد توجه بسیار قرار گرفت (Kennedy 1975, VIII). از جمله موضوعاتی که در این زمره قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: بودجه‌بندی؛ مطالعه انواع گوناگون سازمان‌دهی و عملکرد آن‌ها؛ بازارهای درون نیروهای مسلح؛ موضوعات مربوط به اقتصاد عمومی؛ توابع تولید نظامی؛ ارزیابی موجودی تجهیزات دفاعی؛ امکانات جایگزینی، سر‌بازگیری، نیروی انسانی نظامی و سیستم‌های انگیزشی و شاخص‌های عملکرد.

در یک برشماری کلی از موضوعات مورد بحث در منابع مختلف و با ملاحظه وضعیت موجود کشورمان و منطقه و سطح بین‌الملل، برخی موضوعات قلمرو اقتصاد دفاع در فهرست ذیل قرار می‌گیرند.^{۶۸}

۱- اقتصاد فناوری و صنایع دفاعی و شالوده صنعت دفاعی (پیشینه، ترکیب، تبدیل و باز تبدیل، چند منظوره‌سازی، ارتباط صنایع دفاعی و غیر دفاعی و مجتمع‌های نظامی - صنعتی، سیاست‌گذاری صنعت دفاعی و ...) و انتقال

فناوری

- ۲- اقتصاد تأمین تسلیحات (فرایند تأمین، قراردادها، تولید و تجارت تسلیحات و ...)
- ۳- اقتصاد کنترل تسلیحات و خلع سلاح
- ۴- اقتصاد تحقیق و توسعه دفاعی
- ۵- اقتصاد برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دفاعی
- ۶- بودجه‌بندی و تحلیل روند بودجه‌های دفاعی
- ۷- امکان‌سنجی و ارزیابی کارایی، اثربخشی، بهره‌وری و تحلیل هزینه - فایده استراتژیک طرح‌ها و فعالیت‌های دفاعی (عرضه و تقاضای امکانات و ...)
- ۸- اقتصاد جنگ و منازعه (شامل جنگ بین‌المللی و منازعه داخلی در روندی تاریخی) و صلح با تأکید خاص بر جنگ تحمیلی و جنگ آینده، از دو دیدگاه خرد و کلان و در تعامل با رشد و توسعه اقتصادی
- ۹- اقتصاد بسیج امکانات و منابع ملی
- ۱۰- تحلیل اقتصاد مقاومتی^{۶۹}
- ۱۱- تحلیل فعالیت‌های اقتصادی بخش دفاع
- ۱۲- تحلیل تعامل اقتصادی بخش دفاع با سایر بخش‌ها
- ۱۳- اقتصاد نهضت‌های آزادی‌بخش
- ۱۴- اقتصاد تروریسم
- ۱۵- اقتصاد امکانات استراتژیک (اقتصاد عناصر قدرت و قابلیت ملی، آسیب‌شناسی و ذخیره‌سازی و آمایش زیرساخت‌ها و تأسیسات حیاتی و منابع استراتژیک و رصد و پایش روند و تحولات استراتژیک اقتصاد ملی و ...)
- ۱۶- اقتصاد امنیت بین‌الملل و جهانی (اتحادها، پیامدهای امنیتی - استراتژیک روابط اقتصادی، اثرات و پیامدهای جهانی‌شدن و جهانی‌سازی و ...)
- ۱۷- تحلیل تعامل رشد و توسعه اقتصادی با امنیت ملی
- ۱۸- اقتصاد امور انتظامی و اطلاعاتی - امنیتی^{۷۰}
- ۱۹- اقتصاد نیروهای مسلح (ترکیب، تشکیلات، اندازه، نحوه تأمین نیروی انسانی و ... نیروهای مسلح)
- ۲۰- تحلیل جنگ اقتصادی، دفاع اقتصادی، و امنیت اقتصادی (تحریم‌ها و ...)
- ۲۱- اقتصاد دفاع نرم
- ۲۲- اقتصاد زیرزمینی و قاچاق
- ۲۳- اقتصاد دفاع غیرعامل/دفاع غیرنظامی.

در پایان این قسمت بار دیگر لزوم عدم غفلت از هسته اصلی اقتصاد دفاع را خاطرنشان می‌کنیم. مگوتایر در این زمینه تأکید می‌کند که باید ابزارها و ایده‌هایی را که در محیط ابتدایی‌تر و ساده‌تر ایجاد شده‌اند، برای جهان پیچیده‌تر نامنی درک شده، به کار ببریم و از کاربرد آن‌ها چشم‌پوشی نکنیم (McGuire 2007, 630). به عبارت دیگر، تحول موضوعات نباید پایبند نبودن به چارچوب‌های علمی را به این بهانه که این چارچوب‌ها مربوط به گذشته‌اند و برای تحلیل موضوعات جدید کاربرد ندارند، به دنبال داشته باشند؛ اگرچه برزش تکنیک‌ها و نظریه‌های علمی اقتصاد و به عبارتی، تکامل بخشیدن و پویایی علمی نیز نباید از نظر دور داشته شود.

۳-۴- وجوه تمایز و اشتراک اقتصاد دفاع

۱-۳-۴- مقایسه با سایر قلمروهای علم اقتصاد

همان گونه که گفته شد، اقتصاد دفاع شاخه‌ای از علم اقتصاد است و همانند سایر قلمروهای علم اقتصاد، از جمله در باره کارایی تخصیص، انتخاب عمومی، ثبات و مطالعه رشد به بحث می‌پردازد؛ اما اقتصاد دفاع ویژگی‌های خاصی نیز دارد که آن را از دیگر بخش‌های علم اقتصاد متمایز می‌کند. مجموعه عناصر مورد مطالعه^{۷۱} و ترتیبات نهادی تشکیلات دفاعی^{۷۲} و همچنین موضوعات مورد بررسی^{۷۳}، از جمله زمینه‌های متمایز اقتصاد دفاع نسبت به سایر قلمروهای اقتصادی هستند^{۷۴} (Sandler and Hartley 1995, XI). به نظر برخی از صاحب‌نظران، تفاوت‌های عمده تئوریک بین شیوه برخورد متعارف علم اقتصاد و مسائل مربوط به مطالعه اقتصاد دفاع را می‌توان به صورت ذیل تقسیم‌بندی نمود:

- ۱- کالای عمومی بودن دفاع ملی؛
- ۲- سهم بزرگی از تولید ملی که صرف دفاع می‌شود و به طور مستقیم و همچنین از راه ضرایب فزاینده^{۷۵} به طور غیرمستقیم بر اقتصاد کلان تأثیر می‌گذارد؛
- ۳- ساختارهای خاص (رقابت ناپذیری و درجه تمرکز) بازار کالاها و خدمات دفاعی؛
- ۴- آثار خارجی^{۷۶} بین‌المللی کاربرد دفاع (در آثار متقابل رفتار هم‌پیمانان و رقبا) همانند آثار بین‌المللی ساختارهای انحصار چندجانبه؛
- ۵- نیازمندی‌های بحبوحه (حداکثر بار) مصرف^{۷۷} (Olvey and Golden and Kelly, 1984, 11)

مروری بر تفاوت‌های برشمرده شده نشان می‌دهد که این تفاوت‌ها، به ویژگی‌های «دفاع» (موضوع اقتصاد دفاع) مربوط هستند نه «اقتصاد دفاع». به تعبیری، «دفاع و امور دفاعی» اهمیت و ویژگی‌های خاصی دارند که شاخه جدیدی

از علم اقتصاد، برای بررسی آن‌ها مورد نیاز است. از این رو، گفته می‌شود که علم اقتصاد یا تئوری اقتصادی مرسوم، به تنهایی در تحلیل دفاع کفایت نمی‌کند و از این هم فراتر، «بسیاری از تحلیل‌های استاندارد اقتصادی با آنچه در عینیت اقتصاد دفاع وجود دارد، نامربوط هستند زیرا مفروضات آن‌ها با نهادهای بازار دفاع تطابق ندارند» (Ross 1991, 7). به نظر می‌رسد که انتقاد کسانی که در گذشته از آن‌ها یاد کردیم و تحلیل اقتصاد دفاع را به عرصه‌ای فراتر از یک بررسی تکنسینی علم اقتصاد مربوط می‌کردند، از جمله به علت همین تمایزها باشد.

۲-۳-۴- مقایسه با برخی قلمروهای مشترک و مقایسه‌پذیر

انتزاع موضوعات دفاعی از سایر قلمروهای پیوسته، به ناچار نوعی یک جنبه‌نگری و فقدان جامعیت ایجاد می‌کند. به همین دلیل در اینجا به بررسی چند عرصه پیوسته (یا هم‌مرز) با عرصه دفاع می‌پردازیم و قلمرو مشترک تحلیل اقتصادی در این عرصه‌ها را مورد بحث قرار می‌دهیم.^{۷۸}

۱-۲-۳-۴- اقتصاد امنیت ملی

امنیت ملی امری است که تهدید آن توسط اقدام یا سلسله حوادثی صورت می‌گیرد که (۱) به طور مؤثر و در زمان نسبتاً کوتاهی کیفیت زندگی اهالی یک کشور را تنزل دهد یا (۲) به طور قابل توجهی گستره انتخاب‌های سیاست‌گذاری در دسترس دولت یا حکومت یا عناصر غیردولتی کشور (اشخاص، گروه‌ها، شرکت‌های) را محدود کند (Romm 1993, 6). با چنین نگرشی- که به هیچ‌وجه به جنبه‌های نظامی محدود نمی‌شود- است که علاوه بر روحیه نظامیان، تعداد و نبوغ دانشمندان، شخصیت و مهارت رهبران، موقعیت جغرافیایی و عوامل اقتصادی، حتی بادهای رایج در پهنه یک سرزمین می‌تواند در امنیت ملی آن دخیل باشد (Hitch and Mckean 1967, 1). به نظر می‌رسد که با چنین مفهومی، تمایز قائل شدن و مستقل دانستن امنیت ملی از مسائل دفاع ملی و در نتیجه، نگرش دوگانه به «اقتصاد دفاع» (ملی) و «اقتصاد امنیت ملی» منطقی و سنجیده نباشد. هیچ و مک‌کین نیز در کتاب خود تصریح کرده‌اند که «در بیشتر قسمت‌های کتاب، اصطلاح «دفاع» و «امنیت ملی» به طور مترادف (هم‌قلمرو: دفاع ملی برای تأمین امنیت ملی) به کار برده شده و هرگاه دفاع با مفهوم محدودتری- برای نمونه در نقطه مقابل آفند- به کار برده شده است، مفاد متن، این امر را روشن خواهد کرد» (Hitch and Mckean 1967, 1). نگاهی گذرا به فهرست و محتوای کتاب‌هایی که

با هر دو عنوان منتشر شده‌اند نیز یگانگی قلمرو این دو مفهوم را با کمی تسامح تأیید می‌کند.

۲-۲-۳-۴- اقتصاد صلح

آندرتون و کارتر اقتصاد صلح را «کاربرد علم اقتصاد برای درک علت و تأثیرات منازعه خشونت‌بار در نظام بین‌الملل و راه‌های پرهیز، مدیریت، یا حل‌وفصل منازعه» تعریف کرده‌اند (Anderton and Carter 2007, 1212).

اقتصاد دفاع در سال‌های اولیه‌اش به این عنوان مطرح می‌شد که «همه مسائل نظامی در یکی از جنبه‌های خود، مسئله‌ای اقتصادی در رابطه با تخصیص و استفاده کارآمد از منابع می‌باشند». لذا تمرکز اولیه پیشگامان اولیه اقتصاد دفاع، کارایی بخش نظامی بود. از سوی دیگر، اقتصاد صلح گرایش به این دارد که به کاهش مخارج دفاعی، کاهش جنگ به عنوان یک گزینه در امور بین‌الملل و کاربرد روش‌های اقتصادی برای ارتقاء صلح متعهد باشد نه کارایی نظامی.

به عقیده برخی صاحب‌نظران، اقتصاد دفاع در طول سالیان، به تدریج تمرکز خود را وسعت بخشیده است تا بسیاری از عناوین مورد علاقه اقتصاددانان صلح را در برگیرد در حالی که علاقه تاریخی‌اش به موضوعات کارایی نظامی را نیز حفظ کرده است. (Anderton and Carter 2007, 1214)

از سوی دیگر، برخی دیگر از صاحب‌نظران از دیدگاهی دیگر به این مسئله می‌نگرند. از این دیدگاه، اقتصاد دفاع هر دو موضوع مطالعه مربوط به دفاع و صلح (مسائلی که تهدیداتی جدی برای صلح و امنیت به وجود می‌آورند) را با استفاده از ابزارهای علم اقتصاد مدرن، تحت پوشش قرار می‌دهد (Sandler and Hartley 1995, I). از جنبه عینی نیز اساساً اشتباه است که فکر کنیم ملاحظات استراتژیکی تنها در زمان جنگ به عنوان عناصر مؤثر بر اقتصاد قلمداد می‌گردند. اصولاً جداسازی معمول بین اقتصاد صلح و اقتصاد جنگ نیز خطایی آشکار است (Milward 1984, 45). برخی از نویسندگان با ملاحظه سه مرحله «پیش از جنگ و آماده‌سازی» (و به تعبیری، آماده‌باش اقتصادی)، «دوره جنگ»، و «پس از جنگ یا دوره بازسازی» (بوتول ۱۳۶۸، ۴۴)، خود جنگ را نیز تنها محدود به مقطع درگیری عملیاتی نمی‌دانند و برای نمونه، سه مرحله از یک جنگ (هسته‌ای) را به مرحله تهدید، مرحله آغاز جنگ و مرحله پیامد جنگ تقسیم می‌کنند^{۷۹}. در این رابطه اعتقاد بر این است که اقتصادهای جنگی، پیش از آغاز درگیری‌ها ساخته می‌شوند و پس از فروکش کردن جنگ نیز ادامه می‌یابند^{۸۰}.

۳-۲-۳-۴- اقتصاد مقاومتی

جایگاه اقتصاد مقاومتی در اندیشه و نظام اسلامی

به تعبیر مقام معظم رهبری، «آرمان‌های نظام اسلامی - که در حقیقت آرمان‌های اسلامی است - یک منظومه‌ای است، یک مجموعه‌ای است، مراتب مختلفی هم دارد؛ بعضی از اینها اهداف غائی‌تر و نهائی‌ترند، بعضی‌ها اهداف کوتاه‌مدت‌اند، اما جزو آرمان‌هایند؛ همه‌ی اینها را باید دنبال کرد. مثلاً فرض بفرمائید جامعه‌ی عادلانه و عادل و پیشرفته و معنوی - با این خصوصیات - خب، یک آرمان است؛ جزو آرمان‌های درجه‌ی یک و جزو برترین آرمان‌ها است. ... یک آرمان دیگر، اقتصاد مقاومتی است؛ که نسبت به آرمان قبلی که گفتیم، یک آرمان خرد است. با اینکه خود اقتصاد مقاومتی چیز مهمی است، اما در واقع در ذیل آن آرمان قبلی تعریف می‌شود. سلامت در جامعه، صنعت برتر، کشاورزی برتر، تجارت پررونق، علم پیشرو، اینها همه‌اش جزو آرمان‌ها است. نفوذ فرهنگی در جهان، نفوذ سیاسی در جهان و در منظومه‌ی سیاسی سلطه در عالم، اینها همه‌اش جزو آرمان‌ها است. رسیدن به عدالت اجتماعی، جزو آرمان‌ها است. بنابراین وقتی می‌گوئیم آرمان، ذهن ما به یک امر غیرقابل تعریف دور از دسترسی نرود؛ آرمان یعنی اینها، اینها همه آرمان‌هایند؛ البته در درجات مختلف. ... مجموعه‌ی این خواسته‌ها و هدف‌ها، منظومه‌ی آرمانی اسلام را تشکیل می‌دهد.» (۱۳۹۲/۵/۶)

سال اول / شماره اول / پاییز ۱۳۹۵
فصلنامه اقتصاد دفاع

تعریف اقتصاد مقاومتی بر اساس رهنمودها و سیاست‌های کلی

بنا بر رهنمودهای مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی عبارت است از «اقتصاد آرمانی باز (بدون محصور کردن کشور) و مستقلى که دارای خاصیت مقاومت مدیرانه در مقابل کارشکنی و خباثت دشمن و آسیب‌ناپذیر در برابر بحران‌ها و نوسانات بین‌المللی باشد و در شرایط فشار و دشمنی‌ها بتواند علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری کشور در مقابل ترفندهای دشمنان و نوسانات جهانی - که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود - تضمین‌کننده‌ی روند رو به رشد و شکوفایی کشور (متضمن افزایش ثروت ملی) باشد.»

البته بنا به آنچه به عنوان دو پایه اساسی هر روش و نسخه‌ی اقتصادی از سوی ایشان مطرح شده است، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه‌ی اسلامی» نیز در اقتصاد مقاومتی باید لحاظ گردد. بعلاوه، همان‌گونه که توسط مقام معظم رهبری تصریح گردیده است، واقعیات نشان می‌دهند که برای تحقق چنین اقتصاد کارگشایی، باید بر خداوند توکل نمود و خطرپذیری را افزایش داد و از تدبیر

و درایت و همه ظرفیت‌ها و توانایی‌های مادی و انسانی دولتی و غیردولتی، به طور هوشمندانه استفاده‌ی حداکثری کرد و به تأکید، باید از تذبذب و تغییرات بی‌مورد ناگهانی و شتاب‌زدگی در سیاست‌ها و برنامه‌ها پرهیز نمود. (دری و صالح ۱۳۹۲، ۱۶۴)

به تعبیر دیگر، بنا بر تحلیل محتوای رهنمودهای ارائه‌شده در ۶۱ سخنرانی (از اواسط شهریور سال ۱۳۸۹ تا ابتدای مهرماه سال ۱۳۹۵)، اقتصاد مقاومتی عبارت است از «وضع، الگو، نظام و نقشه راه همه‌جانبه و وسیع اقتصادی‌ای واقعی - نه فقط شعاری - معقول و علمی متعامل با جهان (غیرمحصور) و متناسب با نیازهای جمهوری اسلامی ایران اما نه منحصر به آن؛ گامی بلند و علاج مشکلات و راه سعادت کشور؛ از آرمان‌های خرد در منظومه آرمانی تعریف شدنی و دست‌یافتنی اسلام؛ متکی به مردم و کمک‌کار آن‌ها، با مسئولیت دولت در آماده‌سازی شرایط و تسهیل و نظارت به عنوان یک مسئول عمومی؛ با توان ایستادگی و مقاوم (مستحکم و غیرشکننده) در ساخت (بنیه) (با اقتدار) درونی خود در عین انعطاف‌پذیری (آسیب‌ناپذیر و اختلال‌ناپذیر: بدون تأثیرپذیری شدید و زیرورو شدنی از نوسانات خصمانه و غیرخصمانه همیشگی و گوناگون بالفعل و بالقوه خارجی)؛ غیرمنفعل (نه فقط نفی و انجام کارهای تدافعی)؛ تضمین‌کننده‌ی رشد و شکوفایی حتی در شرایط فشار و دشمنی‌های شدید (بارور بودن)؛ و در عین وسعت و بلندمدت بودن، متضمن انتظار دستاوردهای زود هنگام».

در کنار آنچه گفته شد، مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام در ۱۳۹۴/۴/۲، ماه مبارک رمضان را «ماه تقوا» خواندند که «عبارت است از آن حالت مراقبت دائمی که موجب می‌شود انسان به کج‌راهه نرود و خارهای دامن‌گیر، دامن او را نگیرد. تقوا در واقع یک جوشنی است، یک زرهی است بر تن انسان باتقوا که او را از آسیب تیرهای زهرآگین و ضربه‌های مهلک معنوی محفوظ و مصون می‌دارد. ... عین همین مسئله در مورد یک جامعه و یک کشور قابل طرح است. ... در بخش‌های مختلف، تقوای اجتماعی را می‌توان تعریف کرد؛ در بخش اقتصاد، تقوای جامعه عبارت است از اقتصاد مقاومتی.»

اصول حاکم، رویکردها و اهداف اقتصاد مقاومتی

در یک تحلیل محتوایی و بر اساس سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مندرجات جدول (۱) حاصل می‌شود:

جدول ۱: اصول حاکم، رویکردها و اهداف اقتصاد مقاومتی

ردیف	اصول حاکم	رویکردها	اهداف
۱	اسلامی بودن	جهادی	تأمین رشد پویا
۲	انقلابی بودن	انعطاف‌پذیر	بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی
۳	بومی بودن ^{۸۱}	فرصت‌ساز	تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی
۴	علمی بودن	مولد	توسعه‌یافتگی (جایگاه اول منطقه‌ای)
۵	پیشرو		تحقق هویت اسلامی و انقلابی
۶	درون‌زا		الهام‌بخش بودن در جهان اسلام
۷	برون‌گرا		تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل

در جدول (۱)، اهداف ردیف ۳ تا ۷ بر اساس اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور^{۸۲} که دستیابی به آن‌ها، در زمره اهداف سه‌گانه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌باشد، ذکر شده‌اند.

مروری بر مفاهیم، اصول، رویکردها و اهداف اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که در محیط سرزمینی جمهوری اسلامی ایران، تحلیل علمی این اقتصاد^{۸۳}، با تحلیل علمی (در قلمرو علم اقتصاد) دفاع و امنیت ملی هم‌پوشی فراوانی دارد. تحقق اقتصاد مقاومتی، بنیانی را در کشور ایجاد خواهد کرد که با استحکام بنیه داخلی (ساخت درونی) و مقاومت در برابر تکانه‌های خصمانه و جز آن، به رشد و شکوفایی و رفاه همگانی عادلانه و پیشرفت آرمان‌گرایانه خواهد انجامید^{۸۴}. در این میان، آنگاه که تکانه خصمانه و دشمنی با ابزارهای سخت و نرم اقتصادی (جنگ اقتصادی تمام‌عیار^{۸۵})، صورت می‌گیرد یا پیش‌بینی تحقق می‌یابد، دفاع تمام‌عیار و همه‌جانبه^{۸۶} در دستور کار جدی قرار می‌گیرد و برای تحلیل این دفاع همه‌جانبه، اقتصاد دفاع و امنیت ملی کاربرد مستقیم خواهد یافت. به تعبیر دیگر، اقتصاد مقاومتی یک امر آرمانی است که شناخت جنبه‌هایی از ابعاد و تحقق آن، موضوع مطالعه اقتصاد دفاع و امنیت ملی است.

۵- ماهیت تصمیم‌گیری در عرصه دفاع

برای درک نقش اقتصاددانان و ملاحظات و ابزارهای تحلیل اقتصادی در قلمرو تصمیم‌گیری‌های دفاعی، استراتژیک و امنیتی خاطرنشان می‌کنیم که علم اقتصاد دفاع، واقعیت‌های مشروط (اگر... آنگاه...) این قلمرو را تبیین می‌کند، اما به اذعان خبرگان، سرانجام تصمیم‌گیری در این عرصه، حداقل در رده‌های بالا، ماهیتاً یک

تصمیم‌گیری سیاسی - راهبردی است نه اقتصادی^{۸۷}. از این رو، حتی در تحلیل‌های اقتصادی مسائل دفاعی نباید ابعاد سیاسی را نادیده بگیریم و اصولاً به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، ایجاد تمایز مفهومی لوبیا روغنی و اقتصاد صحیح نیست زیرا هر دو، «جنبه‌های گوناگونی از یک کل یکپارچه» هستند. تخصیص، کارایی، توزیع، اشتغال، مبادله، رشد و ثبات قیمت‌ها، عناصری سیاسی هستند، همان‌گونه که عناصری از واقعیت اقتصادی نیز هستند (Ross 1991, 2). با همین نگرش است که گفته می‌شود اقتصاددانان باید مطالب بیشتری در مورد سیاست^{۸۸} و دانشمندان علوم سیاسی نیز چیزهای بیشتری در مورد اقتصاد فراگیرند. به یک بیان، امکان ندارد یک مدل اقتصادی، تصمیم‌گیرنده را قادر سازد تا به طور خودکار تعیین کند که جامعه چگونه باید منابع خود را بین کالاهای دفاعی و غیر دفاعی و حتی بین کالاهای بودجه دفاعی تقسیم کند (Olvey and Golden and Kelly 1984, 11). عواملی که درگیر چنین سؤالات تخصصی و توزیعی- به ویژه در زمینه کالاهای عمومی- هستند عموماً در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی تعیین می‌گردند.

کندی در توضیح آنچه گفته شد، تصریح می‌کند که این سؤال که «چقدر کافی است؟» مسئله حل‌نشده‌ای در حیطه مسائل دفاعی است. این مسئله، سیاسی است نه اقتصادی زیرا درک نیاز، در یک فرایند سیاسی آشکار می‌گردد و هر تصمیمی که برای وضعیت دفاعی ویژه‌ای گرفته شود، پیامدهای اقتصادی هم دارد. اقتصاد در یاری رسانیدن برای پاسخگویی به سؤال مذکور بسیار مفید است اما باید تأکید کنیم که جواب نمی‌تواند فقط به وسیله اقتصاد تعیین گردد. هزینه نظامی باید در بافت محیط جهان واقعی لحاظ گردد و تحلیل عوامل اجتماعی، اقتصادی، استراتژیک و بین‌المللی برای تعیین سطح آن لازم است (Kennedy 1975, 2). اولوی نیز این عقیده را می‌پذیرد و استدلال می‌کند که تصمیم‌گیری در حیطه امور دفاعی مستلزم این است که تصمیم‌گیرندگان، قضاوت‌های ارزشی ذهنی در مورد فایده نهایی یک کالا یا خدمت خاص را با توجه به هزینه‌های اجتماعی تحصیل آن به کار گیرند^{۸۹}. او تأکید می‌کند هیچ مدل اقتصادی را نمی‌توان جایگزین سیستم رجحان تصمیم‌گیرنده ساخت؛ لذا امکان ندارد که تئوری اقتصادی بتواند به سؤال عمومی «چقدر کافی است؟» جواب دهد؛ اما استفاده از علم اقتصاد به صورت اثباتی می‌تواند پیامدهای یک سیستم ارزشی را به تصمیم‌گیرنده نشان دهد (Olvey and Golden and Kelly 1984, 11).

بی‌تردید تصمیم‌گیری در هر زمینه‌ای مستلزم لحاظ نمودن محدودیت‌ها و قیود موجود فرا راه تصمیم‌گیرنده است و هیچ تصمیمی بدون در نظر گرفتن امکانات، واقعی، منطقی و عملی نخواهد بود؛ لذا اگرچه همان‌گونه که گفتیم، تصمیم‌گیری در عرصه دفاع ملی مسئله‌ای سیاسی است، اما تحلیل اقتصادی، شرط لازم برای اعتبار بخشیدن عملی به آن است. مگنوتایر در تبیین ماهیت اقتصاد دفاع، کوشش‌های فراوان تحلیل اقتصادی را در شکل‌گیری دفاع ملی نشان می‌دهد. به تعبیر او اقتصاد بر تصمیم‌گیری مردم متمرکز است و تدارک دفاع ملی، متضمن انتخاب‌های بسیاری است که باید در مورد آن‌ها تصمیم‌گیری شود. لیتزل به درستی اشاره می‌کند که دانشمندان سایر زمینه‌ها ممکن است ابراز کنند که اقتصاددانان باید فقط بر مطالعه پول و بازارهای قیمت ساز متمرکز گردند، اما چنین نگرشی نشان می‌دهد که یا آن‌ها اقتصاد را درک نکرده‌اند و یا از موضوعات تخصصی خود در مقابل پیشرفت‌های شگرف اقتصاددانان دفاع می‌کنند؛ در حالی که در دوره‌های آموزشی دفاع ملی، بیشتر زیررشته‌های اقتصاد وجود دارد.^{۹۰} [Leitzel 1993, 1] و این امر، جایگاه حساس اقتصاد را در این قلمرو نشان می‌دهد. هیچ و مکین نیز پس از بازگو کردن نقادانه جملاتی از کسینجر و بالدوین^{۹۱} ابراز می‌کنند که اگر عوامل اقتصادی یا هزینه‌ای را لزوماً در مقابل ملاحظات استراتژیک، مکتبی و فناورانه در نظر بگیریم، گمراه‌کننده است. استراتژی، فناوری و اقتصاد سه «ملاحظه» مجزایی نیستند که لازم باشد مستقلاً و به طور متناسب توزین شوند؛ بلکه عناصری به هم وابسته از مسئله‌ای واحد هستند. استراتژی‌ها «راه‌های استفاده» از بودجه یا منابع را برای دستیابی به اهداف نظامی مشخص می‌کنند؛ فناوری، بیانگر استراتژی‌های «ممکن» است و اقتصاد، انتخاب استراتژی «کارآمد» را بر عهده دارد. استراتژی و هزینه، همان‌گونه با هم وابستگی دارند که ابزار نشانه روی جلو و عقب یک تفنگ به هم وابسته هستند. هیچ و مکین تأکید می‌کنند که وظیفه اقتصادی کردن، که برخی آن را بر عهده بودجه‌گذاران و حسابداران می‌دانند، نمی‌تواند از کل وظیفه تصمیم‌گیری نظامی متمایز گردد (Hitch and Mckean 1967, 3).

۶- خلاصه و نتیجه‌گیری

بنا به تعریف مرسوم، علم اقتصاد عبارت است از «بررسی کاربرد منابع کمیاب در دستیابی به اهداف / خواست‌های جایگزین (بدیل)» و با انتخاب بهینه و کارایی پیوند نزدیک دارد. این علم، با علم «کسب‌وکار» و «حسابداری» و «امور مالی» و

تحلیل صرف سودآوری مترادف نیست و اگرچه این امور با علم اقتصاد نوعی هم‌پوشی دارند، اما نمی‌توانند جایگزین آن شوند.

تأمین بقاء با کیفیت مورد نظر - نه فقط زنده بودن - (افزون بر بقاء)، موضوع امنیت است و امنیت و احساس امنیت، یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای یک ملت و یک کشور است. به تعبیری، امنیت عبارت است از واقعیت (در واقع) یا احساس (به صورت تصویری) اطمینان و آزادی از خطر و ترس و اضطراب و تردید و نگرانی زیان. با این تعبیر، امنیت «ناشی از قدرت» یا «مبتنی بر آزادی و مرتبط با عدالت و فراهم بودن حقوق انسانی» است و هر دو جنبه سلبی (آزادی از) و ایجابی (آزادی برای (در جهت)) را در بر می‌گیرد. از این رو، امنیت از فقدان تهدید آغاز می‌شود اما به آن محدود نمی‌گردد و رضایت‌مندی را نیز شامل می‌شود. در این نگرش جامع، «امنیت انسانی» عبارت است از امنیت یکپارچه، پایدار و جامع از ترس، منازعه، جهل، فقر، محرومیت اجتماعی و فرهنگی و گرسنگی مبتنی بر آزادی‌های مثبت و منفی.

دفاع، برای تأمین امنیت به مفهومی که توصیف شد (با هر دو جنبه و گفتمان سلبی و ایجابی)، صورت می‌گیرد و عبارت است از یابوری و حمایت کردن، دور کردن، حفظ کردن، راندن، پس زدن و بازداشتن، مقاومت کردن، تجهیز و تقویت و استحکام بخشیدن. «امور دفاع ملی» در طبقه‌بندی هزینه‌های بودجه دولت جمهوری اسلامی ایران بر حسب امور، مجموعه‌ای از وظایف دولت است که در جهت حفظ و حراست از مرزهای کشور و برقراری ثبات سیاسی از طریق دفاع نظامی و غیرنظامی به منظور حفظ و گسترش امکانات توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور انجام می‌شود. دفاع به دو نوع دفاع عامل و غیرعامل تقسیم می‌شود و در بعد سلبی امنیت، حداقل سه مرحله اساسی دارد:

- پیشگیری و بازدارندگی
- مدیریت واقعه (مقابله با (دفع و رفع) تهدید و تعرض)
- مدیریت پیامد.

دفاع در بعد ایجابی امنیت، متضمن «توانمندسازی جهت تحقق اهداف امنیت ملی» نیز می‌باشد. شایان ذکر است که «امنیت جامع»، به «دفاع جامع و همه‌جانبه» نیاز دارد و دفاع اقتصادی به عنوان دفاع با اهداف یا ابزارهای اقتصادی، در این دفاع جامع جایگاه ویژه خود را دارد.

بر اساس آنچه گفته شد، بخش دفاع جمهوری اسلامی ایران علاوه بر وظیفه اصلی و ذاتی دفاع نظامی، متناسب با مقتضیات و بنا به تدابیر، از دو جهت به دفاع

در عرصه‌های دیگر - که در این متن، بر عرصه اقتصادی متمرکز شده‌ایم - نیز مأمور می‌شود. بنیه اقتصادی از یک سو از آن جهت برای بخش دفاع موضوعیت دارد که بسترساز و تسهیل‌کننده تأمین امکانات مورد نیاز برای انجام مأموریت دفاع ملی است و از سوی دیگر، از آن جهت اهمیت می‌یابد که خود مسئله‌ای امنیتی با اولویت بالا محسوب می‌شود و خدشه اقتصادی، می‌تواند به خدشه جدی امنیت ملی تبدیل شود؛ به عبارت دیگر، فعالیت اقتصادی نیروهای مسلح کشورها، می‌تواند حداقل دو جنبه اساسی بیابد. جنبه نخست، به عنوان یک اقدام جانبی و حداکثر به منزله فعالیت مکمل مأموریت ذاتی بخش دفاع مطرح می‌شود و جنبه دوم، به عنوان یکی از ابعاد دفاع ملی - یعنی دفاع اقتصادی - و لذا جزء مأموریت بخش دفاع به شمار می‌آید.

موضوع و گستره مفهومی دفاع ملی، عام‌تر از بخش دفاع است و دامنه‌ای فرابخشی دارد. وجود شورای عالی امنیت ملی و مراکز دفاعی سازمان‌های برنامه‌ریزی کشور و کمیسیون دفاع مجلس شورای اسلامی از جمله مراکزی هستند که اگرچه عملاً دفاعی هستند اما در چارچوب سازمانی بخش دفاع قرار نمی‌گیرند. بعلاوه، بسیج چند ده میلیونی، به بخش دفاع محدود نمی‌شود و فلسفه وجودی نظام وظیفه عمومی ایجاب می‌کند که دفاع ملی حتی در جنبه نظامی‌اش، وظیفه‌ای همگانی - فراتر از بخش دفاع - تلقی گردد. به یک تعبیر، دفاع و حفظ امنیت ملی، وظیفه‌ای فراگیر است و فقط به بخش دفاع خلاصه نمی‌شود.

دفاع، باید با ابزار متناسب و به موقع صورت گیرد. با تقسیم‌بندی قدرت و تهدید و جنگ به دو نوع سخت و نرم، دفاع نرم نیز مصداق می‌یابد.

بر اساس همه آنچه گفته شد، اقتصاد دفاع - که با اقتصاد دفاعی متمایز است - متضمن کاربرد ابزارهای تحلیلی (تکنیک‌ها)، قاعده‌ها، نظریه‌ها، داده‌ها و روش تحلیل و استدلال اقتصادی برای تحلیل عالمانه مسائل دفاعی و مرتبط با دفاع / امنیت ملی و حل و فصل منازعه می‌باشد. بنابراین، اقتصاد دفاع بررسی و تحلیل اقتصادی دفاع و مسائل مرتبط با آن را در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در کلیه مقاطع جنگی و غیر آن، در سطوح خرد و کلان و با ابزارهای سخت و نرم بر عهده دارد. این مفهوم، با توجه به پیچیدگی‌های منحصربه‌فرد و ویژگی‌های موضوعی دفاع و امنیت ملی، از صرف کاربرد معمولی علم اقتصاد در موضوعاتی خاص فراتر است و به ملاحظات و خبرگی ویژه و تکنیک‌هایی متناسب نیز نیاز دارد. به عبارتی، اقتصاددان دفاع صرفاً یک تکنسین در استفاده از علم اقتصاد

نیست. به همین دلیل است که تأکید می‌شود که اقتصاددان دفاعی باید روش‌های اقتصادی را برای مجموعه‌ای از موضوعات ذی‌ربط، سازگار و برانده سازد. اقتصاد دفاع به هر صورت شاخه‌ای از علم اقتصاد است و همانند سایر قلمروهای علم اقتصاد، از جمله در باره کارایی تخصیص، انتخاب عمومی، ثبات و مطالعه رشد به بحث می‌پردازد؛ اما اقتصاد دفاع ویژگی‌های خاصی نیز دارد که آن را از دیگر بخش‌های علم اقتصاد متمایز می‌کند.

با توجه به توضیحاتی که در باره امنیت و دفاع ملی ارائه شد، تفکیک قلمروهای این دو اصطلاح چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. مروری بر کتاب‌های اقتصاد امنیت ملی و اقتصاد دفاع نیز هم‌پوشی تقریباً کامل آن‌ها با کمی مسامحه را تأیید می‌کند. البته با دقت علمی، مناسب‌تر به نظر می‌رسد که «اقتصاد دفاع» و «اقتصاد امنیت ملی»، به صورت «اقتصاد دفاع و امنیت ملی» به کار برده شود.

اقتصاد دفاع و اقتصاد صلح، قلمرو و موضوعات مشترک بسیاری دارند که به نظر برخی صاحب‌نظران، تفکیک بین آن‌ها صحیح نیست؛ اما در اقتصاد صلح، گرایش آشکاری در جهت دفع منازعه و تحقق صلح وجود دارد.

اقتصاد مقاومتی به عنوان یکی از آرمان‌های نسبتاً خرد نظام اسلامی که از نظر مبنایی، تقوای جامعه در بخش اقتصاد قلمداد می‌شود، اقتصاد باز (بدون محصور کردن کشور) و مستقلی است که دارای خاصیت مقاومت مدبرانه در مقابل کارشکنی و خباثت دشمن و آسیب‌ناپذیر در برابر بحران‌ها و نوسانات بین‌المللی باشد و در شرایط فشار و دشمنی‌ها بتواند علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری کشور در مقابل ترفندهای دشمنان و نوسانات جهانی - که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود - تضمین‌کننده‌ی روند رو به رشد و شکوفایی کشور (متضمن افزایش ثروت ملی) باشد. این اقتصاد آرمانی که اسلامی، انقلابی، علمی و بومی بودن، اصول آن را تشکیل می‌دهند، با رویکرد جهادی سیاست‌گذاری کلی شده است و شالوده اقتصادی دفاع و امنیت ملی را تشکیل می‌دهد. آنگاه که تکانه خصمانه و دشمنی با ابزارهای سخت و نرم اقتصادی (جنگ اقتصادی تمام‌عیار)، صورت می‌گیرد یا پیش‌بینی تحقق می‌یابد، دفاع تمام‌عیار و همه‌جانبه در دستور کار جدی قرار می‌گیرد و برای تحلیل این دفاع همه‌جانبه، اقتصاد دفاع و امنیت ملی کاربرد مستقیم خواهد یافت.

در پایان باید تأکید شود که علم اقتصاد دفاع، همانند سایر شاخه‌های علم اقتصاد، واقعیت‌های مشروط (اگر...، آنگاه...) این قلمرو (دفاع و امنیت ملی و مسائل مرتبط با آن‌ها) را تبیین می‌کند؛ اما به ادعان خبرگان، سرانجام تصمیم‌گیری در

این عرصه، حداقل در رده‌های بالا، ماهیتاً یک تصمیم‌گیری سیاسی - راهبردی است نه اقتصادی. متخصص اقتصاد دفاع تلاش می‌کند نحوه دستیابی بهینه (اقتصادی) به اهداف، انجام وظایف و اجرای مأموریت‌های دفاعی - امنیتی تعیین شده توسط مراجع ذی‌صلاح را تحلیل و پیشنهاد کند و به عبارتی، نحوه اداره بهینه امور دفاعی و امنیت ملی را با تحلیلی اقتصادی فرا راه تصمیم‌گیرندگان بگذارد. در این میان، اگرچه ملاحظات اقتصادی نیز ممکن است در تعیین اهداف و وظایف و مأموریت‌های دفاعی و امنیت ملی توسط تصمیم‌گیرندگان و سرانجام فرماندهی معظم کل قوا مورد توجه قرار گیرد، اما در مجموع، تصمیم دفاعی - امنیتی لزوماً تصمیمی اقتصادی نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصلنامه اقتصاد و دفاع

سال اول / شماره اول / پاییز ۱۳۹۵

منابع و مأخذ

- افتخاری، اصغر (بهار ۱۳۹۳). تحلیل الگوی تعامل و آزادی و امنیت. پژوهش‌های راهبردی سیاست. دوره ۲، شماره ۸.
- الموسوی الخمينی (الامام)، السيد روح الله (۱۴۰۳ هجری قمری). تحریر الوسيله. بوتول، گاستون (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی جنگ. ترجمه هوشنگ فرخجسته. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۰). مجموعه مقالات اولین درس گروهی بررسی تحول مفاهیم. به اهتمام سید علی قادری. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- خامنه‌ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، بیانات، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)
- دری نوگورانی، حسین (بهار و تابستان ۱۳۸۷). دفاع اقتصادی: جایگاه اقتصاد در دفاع همه جانبه و نقش نیروهای مسلح (با تأکید بر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی). آفاق امنیت. شماره ۴ و ۵.
- دری نوگورانی، حسین؛ و اصغر صالح اصفهانی (۱۳۹۲). اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره اقتصادی معاونت طرح و برنامه و بودجه ستاد کل نیروهای مسلح، راه فردا.
- فرزب، علیرضا (۱۳۷۶). بودجه‌ریزی دولتی در ایران. تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- مدیریت امور عمومی و دفاعی سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸). نظام طرح‌ریزی استراتژیکی، برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی دفاعی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- مک‌کین‌لای، رابرت؛ و ریچارد لیتل (۱۳۸۰). امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها. ترجمه اصغر افتخاری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۵). مفاهیم نظری و عملی دفاع غیرعامل. تهران: مرکز برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی معاونت آموزش و نیروی انسانی ستاد مشترک سپاه.
- موسوی خمینی (امام)، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام: مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره) (۲۲ جلد). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- Anderton, Charles H.; and John R. Carter (2007). A Survey of Peace Economics. in Handbook of Defense Economics, Vol. 2: Defense in A Globalized World. Elsevier.

- Backhouse, Roger E. (Introduction) (1997). The Methodology of Economics: Nineteenth-Century British Contributions. Routledge
- Chatterji, Manas; and Henk Jager; and Annemarie Rima (1994). The Economics of International Security. St. Martin's Press.
- Collins, John M. (1982). U.S. Defense Planning: A Critique. Westview Press, Inc. .
- Davis, Paul K. (1994). New Challenges for Defense Planning: Rethinking How Mouch Is Enough. RAND.
- Deger, Saadet (1986). Military Expenditure in Third world Countries; The Econmic Effects. Routledge and Kegan paul.
- Development, Concepts and Doctrine Centre (DCDC), Ministry of Defence (MOD) (2008). British Defence Doctrine. Joint Doctrine Publication 0-01 (JDP 0-01) (3rd Edition).
- Douglass, Joseph (1980). Soviet Strategy for Nuclear War. Hoover Institution Press.
- Eatwell, John; and Murray Milgate; and Peter Newman (1987). The New Palgrave: An Dictionary of Economics (Vol.2). Macmillan.
- Ernst & Young's Emerging Markets Center (2012). Rapid-growth markets: soft power index. <http://www.ey.com>.
- Ginkel, Hans Van; and Edward Newman (2000). In Quest of "Human Security". Japan Review of International Affairs. 14.1: 79.
- Hartley, K. and T. Sandler (1990). Editorial Introduction. In Defence Economics: The Political Economy of Defence, Disarmament, and Peace. Harwood Academic Publishers. Vol.1, No.1.
- Henderson, James M.; and Richard E. Quandt (1980). Microeconomic Theory: A Mathematical Approach. McGraw-Hill.
- Hitch, Charles J.; and Roland N. McKean (1967). Elements of Defense Economics. Washington, D.C.: Industrial College of the Armed Forces.
- Intriligator, Micheal D. (1990). On the Nature and Scope of Defence Economics. in Defence Economics: The Political Economy of Defence, Disarmament, and Peace. Harwood Academic Publishers. Vol.1, No.1.
- Kanter, Herscel (1984). Defense Economics: 1776 to 1983. Armed Forces and Society. Vol. 10, No.3.
- Kennedy, Gavin (1975). The Economics of Defence. Bristol Western Printing Services Ltd..
- Leitzel, Jim (1993). Econmics and National Security. Westview Press.
- Leontief, Wassily; and Faye Duchin (1983). Military Spending: Facts and Figures, Worldwide Implications and Future Outlook. Oxford University Press.

- McGuire, Martin C. (2007). Economics of Defense in A Globalized World. in Handbook of Defense Economics, Vol. 2: Defense in A Globalized World. Elsevier.
- Milward, Alan S. (1984). War, Economy and Society (1939-1945). Penguin.
- Narasimha, Roddam; and others (2007). Science and Technology to Counter Terrorism: Proceedings of an Indo-U.S. Workshop. Committee on International Security and Arms Control. www.nap.edu.
- Nye, Joseph S. (February 23, 2006). Think Again: Soft Power. Foreign Policy.
- Olvey, Lee D.; and J.R. Golden; and R. C. Kelly (1984). The Economics of National Security. Avery Publishing Group Inc.
- Reppy, Judith (1989). On The Economics of National Security. Edward A. Kolodziej and Patrick M. Morgan, eds., Security and Arms Control. Vol. 1.
- Romm, Joseph J. (1993). Defining National Security: The Nonmilitary Aspects. Council on Foreign Relation press.
- Ross, Andrew L. (1991). The Political Economy of Defense; Issues and Perspectives. Greenwood Press.
- Sandler, T.; and K. Hartley (1995). The Economics of Defense. Cambridge University Press.
- Sandler, T.; and K. Hartley (2007). Handbook of Defense Economics, Vol. 2: Defense in A Globalized World. Elsevier.
- Secretary General's High-level Panel of United Nations (2004). A more secure world: Our shared responsibility. Report of the High-level Panel on Threats, Challenges and Change. <http://www.un.org>.
- Seymour, Lee J.M. (2000). Unita Diamonds: The Political Economy of Diamonds and Violence in Southern Africa. Department of Political Science, Dalhousie University.
- Shubik, Martin; and J. Hout Verkerke (1989). Open Questions in Defense Economics and Economic Warfare. Journal of Conflict Resolution. Vol.33, No.3.
- Williams, Paul D. (2008). Security Studies: An Introduction. Routledge
- Wilson, Ernest J. (March 2008). Hard Power, Soft Power, Smart Power. The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science. 616:110-124. Retrieved October 1, 2012.

۱ در ادبیات تخصصی ذی‌ربط، «علم اقتصاد دفاع» با هر دو عبارت "Defence Economics" و "The Economics of Defence" به کار برده می‌شود. این تعبیر، با واژه «اقتصاد دفاعی» (Defensive economy) که در آن ترکیب وصفی)، «دفاعی» به عنوان وصف اقتصاد (نظام یا

وضعیت اقتصادی) به کار برده شده است، کاملاً متفاوت است. «اقتصاد دفاع» (به صورت ترکیبی اضافی) نظیر «اقتصاد صنعت یا اقتصاد ایران» است در حالی که «اقتصاد دفاعی» نظیر «اقتصاد صنعتی یا اقتصاد ایرانی» است که دو ترکیب اول، در عرصه «علم اقتصاد» قرار می‌گیرند و دو ترکیب اخیر، در قلمرو «نظام یا وضعیت اقتصادی» دسته‌بندی می‌شوند؛ به عبارت دیگر، در ترکیب اقتصاد دفاع - نظیر اقتصاد صنعت و اقتصاد ایران - دفاع تحلیل اقتصادی می‌شود در حالی که در ترکیب اقتصاد دفاعی - نظیر اقتصاد صنعتی و اقتصاد ایرانی - از اقتصادی سخن به میان آمده است که به صنعتی و ایرانی بودن توصیف شده است.

^۲ برخی از نویسندگان به تبع اقتصاد سیاسی، آن را نه یک موضوع بین‌رشته‌ای (Interdisciplinary) بلکه موضوعی فراگشته‌ای (Supradisciplinary) می‌دانند. [Ross 1991, 5]

^۳ بنا به تعریف، هزینه فرصت (Opportunity Cost) تولید محصول معینی مانند الف عبارت است از ارزش دیگر کالاها چشم‌پوشی شده‌ای که جامعه می‌توانسته با استفاده از همان منابع که برای تولید الف به کار رفته‌اند، تولید نماید. هزینه فرصت منابع تولیدی به کار رفته برای یک مؤسسه تولیدی عبارت است از ارزش منابع یادشده در شرایطی که این منابع در بهترین موقعیت ممکن تحت اشتغال درآیند. بنابراین مثلاً هزینه فرصت تولید یک سیستم موشکی، ارزشی است که منابع این سیستم می‌توانست در بهترین تجهیزات جایگزین خود به دست آورد.

^۴ به یک بیان، اقتصاد و کارایی دو طریقه نگرش به یک مسئله هستند و اقتصادی‌ترین روش انجام یک فعالیت، کارآمدترین روش نیز هست. گفتنی است که در عمل، بررسی کارایی، با استفاده از روش‌های مقداری (برنامه‌ریزی خطی، پژوهش عملیاتی، برازش توابع تولید یا هزینه مرزی و ...) انجام می‌شود.

^۵ مانند سود یا رفاه اجتماعی.

^۶ این مفهوم لغوی بیشتر در فرهنگ‌های فارسی (دهخدا و معین) بیان شده است.

^۷ Security

^۸ این مفهوم لغوی بیشتر در فرهنگ‌های انگلیسی بیان شده است.

^۹ Confidence

^{۱۰} اعم از محفوظ بودن یا در معرض نبودن

^{۱۱} Doubt

^{۱۲} Certain

^{۱۳} Freedom from care, anxiety, or apprehension

^{۱۴} Fixing something in position

^{۱۵} Cherished

^{۱۶} Survival-plus

^{۱۷} Emancipation

^{۱۸} Freedom from

^{۱۹} Freedom to

^{۲۰} Relational sense

^{۲۱} Reassurance

^{۲۲} Predictability

^{۲۳} برخورد تبعیض‌آمیز و توهم آلود و توطئه‌آمیز آمریکا با انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در عین نادیده گرفتن توان تجهیزات هسته‌ای کشورهای متعدد، با همین نگرش توجیه می‌شود.

^{۲۴} Human Security

^{۲۵} Responsibility to Protect

^{۲۶} Pre-emptive

^{۲۷} از جمله ر. ک. [Seymour 2000]

^{۲۸} این معانی در فرهنگ دهخدا و معین ذکر شده است.

^{۲۹} Resistance against

^{۳۰} Fortification

^{۳۱} دفاع غیرنظامی (Civil Defense) عبارت است از بسیج و سازمان‌دهی و هدایت مردم برای دفاع از سرزمین خود، به منظور به حداقل رسانیدن ضایعات و تلفات ناشی از عملیات خصمانه و حملات دشمن (مدیریت امور عمومی و دفاعی سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۸، ۳۳). به عبارتی، دفاع غیرنظامی کلیه اقدامات غیرنظامی برای کاهش تلفات و ضایعات ناشی از اقدام دشمن می‌باشد.

^{۳۲} Objectives

^{۳۳} Conceptual Options

^{۳۴} پد (پاد) به معنای متضاد و متقابل است؛ بنابراین، «پدآفند» به معنای اقدامات «ضد آفندی» است. گاهی این اصطلاح را در مقابل «آفند» در یک عملیات نظامی در نظر می‌گیرند و از این جهت هر دوی آفند و پدآفند را خاص‌تر از حمله و دفاع به حساب می‌آورند زیرا هر یک از حمله و دفاع می‌توانند شامل عملیات آفندی و پدآفندی باشند.

^{۳۵} در این باره از جمله ر. ک. [Narasimha and others 2007, 46]

^{۳۶} Prevention

^{۳۷} Incident Management

^{۳۸} Consequence Management

^{۳۹} در ماده ۶ قانون ارتش، «تدافعی بودن» به عنوان یکی از اصول و ویژگی‌های اساسی نیروهای مسلح، این‌گونه توصیف می‌شود که «نیروهای مسلح با بهره‌گیری از تمامی توان خود دشمن را از تعرض بازداشته و در برابر هر گونه تجاوز دفاع نموده و متجاوز را تنبیه و سرکوب می‌نمایند و در عین اعتقاد به اصل عدم تعرض، ملل مسلمان یا مستضعف غیر معارض با اسلام را برای دفاع از خودیاری می‌کنند.» در این متن، «تدافعی بودن» که گاهی از برخی جنبه‌ها محدودتر از «دفاعی بودن» نیز در نظر گرفته می‌شود، بازدارندگی، دفع و رفع تعرض و عرصه فراملی را نیز با نگرشی ایجابی در بر می‌گیرد.

^{۴۰} در این باره از جمله ر. ک. (دری ۱۳۸۷)

^{۴۱} مطابق ماده ۲ قانون ارتش، «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: ارتش و سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی.»

۴۲ بنا بر ماده ۳ قانون ارتش، «ارتش جمهوری اسلامی ایران به مجموعه ستاد مشترک، نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و سازمان‌های وابسته به آنها اطلاق می‌گردد.»

۴۳ بنا بر ماده ۴ قانون ارتش، «وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران بخشی از دولت است که مسئولیت پشتیبانی ارتش را به عهده دارد.» البته این متن، به پیش از ادغام وزارت سپاه و وزارت دفاع باز می‌گردد.

۴۴ بنا بر ماده ۳۵ در فصل چهارم اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، «هدف از تشکیل واحد بسیج مستضعفین ایجاد توانایی‌های لازم در کلیه افراد معتقد به قانون اساسی و اهداف انقلاب اسلامی به منظور دفاع از کشور، نظام جمهوری اسلامی و همچنین کمک به مردم هنگام بروز بلاها و حوادث غیرمترقبه با هماهنگی مراجع ذی‌ربط می‌باشد.» با تغییرات ابلاغی مورخ ۲۷/۷/۱۳۸۸، بسیج نظامی از بسیج غیرنظامی تفکیک و بسیج نظامی همکار نیروی زمینی سپاه شد و بسیج غیرنظامی با عنوان «سازمان بسیج مستضعفین»، با فرماندهی فرمانده کل سپاه، مأموریت مبارزه با تهدیدات و جنگ نرم را بر عهده گرفت. به گفته فرمانده کل سپاه پاسداران، سپاه با طیف مأموریت‌های متفاوتی مواجه است. ... با توجه به فرمایشات رهبر معظم انقلاب، سپاه یک سازمان فرهنگی، امنیتی و نظامی است و این نوع تفکیک و تدابیر پی‌درپی در طول سال‌های بعد از دفاع مقدس، صورت گرفته شده است و باید از نیروی عظیم مردمی بسیج در رابطه با سپاه در مقطع و زمانی متناسب با نیازهای انقلاب به کار گرفته شود. لازمه این عمل ... انعطاف سازمانی با توجه به تغییر ماهیت تهدید و تغییر اولویت‌های مأموریتی در مقاطع مختلف زمانی [است]... باید برای مبارزه با تهدید نرم، بسیج نظامی از بسیج غیرنظامی جدا شود و بسیج نظامی با نیروی زمینی سپاه کار کند و بسیج غیرنظامی نیز مأموریت مبارزه با تهدیدات و جنگ نرم را بر عهده داشته باشد. در حال حاضر، مأموریت‌های بسیج زیر نظر سپاه‌های استانی به صورت متمرکز انجام می‌شود و افزود: یگان‌های نظامی نیز در سپاه‌های استانی در کنار بسیج فعالیت می‌کنند که باید بسیج به نوعی نقش خود را برای دفاع از صحنه‌های نیمه‌سخت علیه نظام بر عهده بگیرد. سپاه‌های استانی نیز مأموریت دارند با جنگ سخت مقابله کنند و هر کجا که لازم باشد این سپاه‌ها در اختیار بسیجیان قرار می‌گیرند؛ اما مأموریت ذاتی بسیج، عمق‌بخشی داخلی و مقابله با تهدیدات نرم است. سازمان بسیج مستضعفین در ساختار جدید سپاه، مسئول سیاست‌گذاری علیه تهدیدات نرم در کشور و متولی سیاست‌گذاری تخصصی علیه تهدید و جنگ نرم می‌باشد، ولی مبارزه با جنگ نرم بر عهده سپاه‌های استانی است. وظیفه کنونی بسیج دارای دو ماهیت است: یکی ارتباط با اقبال مختلف بسیج و دیگری ستاد تخصصی فرماندهی کل سپاه که بسیج مسئول آن است و این نیرو در ساختار و سازمان جدید سپاه نیمی از مأموریت‌های سپاه را انجام خواهد داد. (ایرنا)

۴۵ بنا بر ماده ۱ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲/۵/۲۷ مجلس شورای اسلامی، «به منظور کشف و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضدجاسوسی و به دست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران تشکیل» گردیده است و «کشف توطئه‌ها و فعالیت‌های براندازی، جاسوسی، خرابکاری و اغتشاش علیه استقلال و امنیت و تمامیت ارضی

کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران» نیز از جمله وظایف آن است. این وظیفه، به روشنی وظیفه‌های دفاعی با ابزارهایی اطلاعاتی است.

^{۴۶} بنا به فرهنگ اسلامی، حفظ نظام اسلامی بر عهده همه مسلمانان - بدون ملاحظه کشور و ملیت - است. در این باره از جمله ر.ک. (موسوی خمینی ۱۴۰۳ هـ ق، احکام دفاع)

^{۴۷} البته فرماندهی معظم کل قوا بارها بر نقش اصلی و همیشگی «دفاع نظامی» در قلمرو وظایف نیروهای مسلح از جمله سپاه تأکید فرموده‌اند. از جمله به تعبیر ایشان، در همان حال که بر مشارکت در سازندگی کشور و افزایش ثروت ملی تأکید می‌شود، «مسئله‌ی اول در نیروهای مسلح، حفظ آمادگی‌های رزمی و متراکم کردن هرچه بیشتر آموزش، انضباط، توانایی‌های گوناگون و نوسازی در درون سازمان نیروهای مسلح و در درجه‌ی بعد در سطح کشور است.» (۱۳۷۰/۱۰/۱۲) بعلاوه، «اصل سوم برای برادران سپاه، در جای خود قرار گرفتن است؛ عدل. عدل این است که هر چیزی را در جای خود قرار بدهید. سپاه در جای خود باید قرار بگیرد. جای سپاه کجاست؟ وظیفه‌ی سپاه تعریف شده است؛ دفاع نظامی از انقلاب. خیلی‌ها ممکن است از انقلاب دفاع کنند؛ حوزه‌ی علمیه هم دفاع می‌کند؛ اما دفاع او، دفاع دیگری است. مسئولان دولتی هم هر کدام در جای خودشان ممکن است دفاع بکنند، یا باید بکنند؛ که آن هم نوع دفاع دیگری است. این، دفاع از انقلاب است و هیچ ابهامی هم در این مسؤولیت وجود ندارد. در آن جا باید قرار بگیرند و ببینند برای این مسؤولیت چه لازم است؛ آنچه را که لازم است، بایستی تحصیل کنند.» (۱۳۷۰/۶/۲۷) تأکید بر این موارد نشان می‌دهد که با وجود عام‌تر بودن دفاع از دفاع نظامی، وظیفه اصلی نیروهای مسلح دفاع نظامی از انقلاب و نظام اسلامی است و سایر مأموریت‌ها نباید در این وظیفه اصلی اختلال ایجاد کند.

^{۴۸} برای آگاهی از ایده دفاع اقتصادی از جمله ر.ک. (دری نوگورانی ۱۳۸۷). البته دفاع اقتصادی، دفاعی همگانی و همه‌بخشی است و شاید وظیفه برخی بخش‌های غیرنظامی در انجام آن، حتی از بخش نظامی نیز سنگین‌تر باشد.

^{۴۹} مطابق ماده ۱ اساس‌نامه سپاه، «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است ... که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی ایرانی و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازمان‌دهی نیروهای مردمی می‌باشد.»

^{۵۰} Hard power

^{۵۱} Coerce

^{۵۲} Soft power

^{۵۳} Joseph Samuel Nye

^{۵۴} Persuasion

^{۵۵} Relational Nature

^{۵۶} Global Image

^{۵۷} Global Integrity

^{۵۸} Outcomes

۵۹ بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری، مقوله‌ی فرهنگ، مقوله‌ی چوب و چماق نیست. مقوله‌ی فرهنگ، با مقوله‌ی میدان جنگ [نظامی] فرق دارد. هر میدانی، ابزار و سلاح خودش را دارد. (۱۳۷۲/۵/۸) بعلاوه، «امروز عرصه‌ی اقتصاد، به خاطر سیاست‌های خصمانه‌ی آمریکا، یک عرصه‌ی کارزار است، یک عرصه‌ی جنگ است، جنگی از نوع خاص. در این عرصه‌ی کارزار، ... هر کسی بتواند به اقتصاد کشور کمک بکند، یک حرکت جهادی انجام داده است. این جهاد است؛ البته جهادی است که ابزار خودش را دارد، شیوه‌های مخصوص خود را دارد، باید این جهاد را همه با تدبیر مخصوص خود و سلاح مخصوص خود انجام بدهند.» (۱۳۹۴/۱/۱)

۶۰ تین‌برگن (Tinbergen) اعتقاد دارد که امنیت نوع بشر نه تنها با مسابقات تسلیحاتی بلکه به وسیله آلودگی محیط‌زیست، رشد جمعیت، رشد صنایع شیمیایی، تعداد اتومبیل‌ها و امثال آنها مورد تهدید قرار گرفته است (Chatterji and ... 1994, XVI).

۶۱ با در نظر گرفتن محیط‌زیست و امثال آن.

۶۲ البته تعریف و قلمرو یابی دفاع و امنیت ملی و امور مرتبط با آنها، در حوزه تخصصی اقتصاددان نیست و با تحول مفهوم دفاع و امنیت ملی، موضوع (محتوا و قلمرو و ...) اقتصاد دفاع و امنیت ملی نیز دگرگونی می‌پذیرد.

۶۳ (Sandler and Hartley 1995, 1) و (Sandler and Hartley 2007, 611) در این باره از جمله ر.ک.

۶۴ برای آگاهی از برخی تحولات مفهومی در قلمروهای استراتژیک پیش از واقعه ۱۱ سپتامبر از جمله ر.ک. (جمعی از نویسندگان ۱۳۷۰).

۶۵ برخی موضوعاتی که در عرصه انقلاب در امور نظامی پدید آمده‌اند، می‌توانند در این حوزه قرار داده شوند.

۶۶ منازعات و انقلاب‌های رنگین و تروریسم و مسابقات تسلیحاتی و نیروی انسانی نظامی، از این جمله‌اند.

۶۷ سندلر و هارتلی در سال ۲۰۰۷ در کتاب مرجع اقتصاد دفاع، در مقایسه‌ای با موضوعات جلد اول - منتشرشده در سال ۱۹۹۵ - موضوعات جلد دوم را به سه دسته تقسیم می‌کنند که دسته‌ای از آنها (جنگ‌های داخلی، حفظ صلح، تجارت و صلح و تحریم‌های اقتصادی) در جلد اول مورد بحث نبوده‌اند؛ و دسته دوم در جلد اول فصلی را به خود اختصاص داده‌اند اما پیشرفت‌های قابل توجهی در آنها رخ داده است (منازعه، تروریسم، مسابقات تسلیحاتی و نیروی انسانی نظامی)؛ و دسته سوم که تأثیرات جهانی شدن و تهدیدات جدید را منعکس می‌کنند (تروریسم، نجارت و صلح و صنایع تسلیحاتی). (Sandler and Hartley 2007, 608) البته سندلر و هارتلی تأکید می‌کنند که تعریف اقتصاد دفاع تغییری نکرده است. (Sandler and Hartley 2007, 612)

۶۸ در ارائه فهرست موضوعات اقتصاد دفاع، تناسب با نیازهای مطالعاتی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید بوده است. با این ملاحظه و سایر ملاحظات، برخی موضوعات لزوماً در فهرست ارائه‌شده درج نشده‌اند.

۶۹ در باره ارتباط اقتصاد مقاومتی با اقتصاد دفاع در مباحث آینده توضیح داده خواهد شد.

۷۰ گاهی امور اطلاعاتی در زمره امور نیمه سخت دسته‌بندی می‌شوند.

۷۱ مثلاً پیمانکاران دفاعی، شاخه‌های مختلف ارتش و ...

۷۲ مثلاً فعالیت‌های تأمین.

^{۷۳} اصولاً موضوعات امنیتی و استراتژیک و دفاعی، موضوعاتی متمایز با بسیاری از موضوعات معمول هستند که با نگرشی اختصاصی باید مورد بررسی قرار گیرند.

^{۷۴} در این باره همچنین ر.ک. (Sandler and Hartley 2007, 611-614)

^{۷۵} به طور الزامی، تغییر یک متغیر تابع، برابر با تغییر متغیرهای مستقل ذی‌ربط نیست بلکه در بسیاری از موارد، متغیرهای تابع، تغییری بیش از تغییر متغیر مستقل از خود نشان می‌دهند. برای نمونه، درآمد ملی با تغییر سرمایه‌گذاری مستقل تغییر می‌کند اما تغییر آن، به همان اندازه تغییر اولیه سرمایه‌گذاری مستقل نیست. از نظر ریاضی، اضافه تغییر یادشده را منسوب به عاملی می‌کنند که در اقتصاد آن را ضریب فزاینده (ضریب تکثر: Multiplier) می‌خوانند.

^{۷۶} در تئوری اقتصادی، آثار خارجی (Externalities) در مورد مصرف، هنگامی بروز می‌کنند که مصرف یک کالا از سوی یک مصرف‌کننده - صرف‌نظر از تأثیری که به تغییر قیمت کالا منجر می‌شود - به طور مستقیم بر روی رفاه مصرف‌کننده دیگر اثر بگذارد. همچنین هنگامی که این آثار بروز می‌کنند، فعالیت‌های تولیدی یک بنگاه اقتصادی، بر فعالیت تولیدی بنگاه اقتصادی دیگر تأثیر مستقیم می‌گذارند.

^{۷۷} در حالی که از ظرفیت تولید کالاها و خدمات معمولی تا حد امکان در همه اوقات به طور کامل استفاده می‌شود، بخش دفاع فقط در طی جنگ با ظرفیت کامل کار می‌کند. برای تقریب به ذهن می‌توانیم در این زمینه از برق مصرفی یک شهر یاد کنیم که مصرفش به طور یکسان در طول شبانه‌روز تقسیم نمی‌شود و همانند مصرف بسیاری از کالاهای دیگری نمی‌باشد که تقاضا برای آنها به صورت کاملاً متحدالشکل در طی زمان توزیع می‌شود. این جنبه خاص از کالاهای دفاعی، تصمیمات اقتصادی در مورد استفاده از آنها را همسان مسئله قیمت‌گذاری بحبوحه مصرف (Peak Load) در علم اقتصاد می‌سازد. سؤالات ذی‌ربط در این زمینه عبارت‌اند از این که مقدار ظرفیت مورد نیاز، مقدار هزینه بخش دفاع در بحبوحه مصرف و مقدار ذخیره‌سازی لازم در مقاطعی که بحبوحه مصرف وجود ندارد، چه قدر است.

^{۷۸} روشن است که پرداختن به هر یک از این مفاهیم در عرصه تخصصی خود، مجال وسیع دیگری را می‌طلبد؛ اما ما در این مجال مختصر، فقط تا حدی که مفهوم اقتصاد دفاع در مقایسه با مفاهیم یادشده تبیین گردد، به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

^{۷۹} از جمله ر.ک. (Douglass 1980, 34)

^{۸۰} برای توضیح بیشتر در زمینه اقتصاد جنگ از جمله ر.ک. (Eatwell and Milgate and Newman 1987, 875)

^{۸۱} با توجه به امکانات و وضع موجود و قابلیت‌ها و مقتضیات تاریخی و فرهنگی و سرزمینی جمهوری اسلامی ایران.

^{۸۲} به یک تعبیر، هدف سوم هدف «غایی» چشم‌انداز و سایر اهداف، هدف‌های «اصلی» چشم‌انداز قلمداد شده‌اند. در این برشماری، ویژگی‌های «جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز»، به عنوان اهداف سند در نظر گرفته نشده‌اند.

^{۸۳} خود مفهوم معرفی‌شده «اقتصاد مقاومتی» (به عنوان یک آرمان، نظام، الگو، ...)، به معنای یک تحلیل یا بررسی علمی نیست و به خودی خود، با «اقتصاد دفاع» که بررسی‌ای علمی است، مقایسه‌پذیر نیست. از این رو، باید بررسی علمی عناصر اصلی و ماهیت اقتصاد مقاومتی، با بررسی علمی دفاع (اقتصاد دفاع) مقایسه شود.

^{۸۴} در ادبیات اقتصاد غرب مفاهیمی از قبیل «شالوده صنعتی دفاع» (Defense Industrial Base: DIB)، «شالوده اقتصادی دفاع» (Defense Economic Base: DEB)، «ظرفیت بالقوه دفاعی» (Potential of defense capacity: PDC) و «شالوده بالقوه تولید تسلیحات» (Arms Production Base: PAPB) وجود دارند که برای تقریب به ذهن در حوزه‌ی مورد بررسی، ملاحظه آنها مفید خواهد بود.

^{۸۵} به تعبیر مقام معظم رهبری.

^{۸۶} به تعبیر امام راحل.

^{۸۷} در این زمینه از جمله ر.ک. (Leontief and Duchin 1983, 3) و (Deger 1986, 2,19,199,256)

^{۸۸} از استوارت میل (John Stuart Mill) نقل شده است که «اقتصاددانی که فقط اقتصاد بداند، اقتصاددان خوبی نیست». (از جمله ر.ک. (Backhouse 1997, 771)

^{۸۹} البته این امر، فقط مختص «دفاع» نیست.

^{۹۰} در باره وجود دروس اقتصادی در دوره‌های نظامی و دفاع ملی از جمله ر.ک.:

- Canadian Force College (CFC)(2005-2006). Command and Staff Course Programme (CSC) SYLLABUS.
- findtarget.com/.../Canadian%20Forces%20College/
- Royal Military College of Canada. RMC STRATEGIC RESEARCH PLAN.
- Stellenbosch University (South African Military Academy). Faculty of Military.
- Department of Defence and Strategic Studies, University of Pune. <http://www.unipune.ernet.in/dept/ddss/course.html>.
- National Defense University. <http://www.ndu.edu/icafe/index.htm>

^{۹۱} Baldwin

فصلنامه اقتصاد و دفاع
سال اول / شماره اول / پاییز ۱۳۹۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی